

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۹

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال اول

- انتقال ویروس ایدز و ارتکاب فعل نوعاً کشنده
علیرضا امامدادی - ابراهیم تقی‌زاده - محمدعلی طاهری
۵
- اصل مشروعیت، حاکمیت و دگراندیشی در چارچوب‌های سنتی حقوق بین‌الملل
حسین سرتیپی
۲۳
- توسعه و انتقال فناوری دریایی از دیدگاه حقوق بین‌الملل توسعه و انتقال فناوری
در تئوری و عمل
اکبر ادیبی
۶۷
- کشورهای در حال توسعه و نظام حل‌وفصل اختلافات سازمان جهانی تجارت
سپیده زبردست
۱۱۷
- مطالعه تطبیقی تفسیر موسع و مضیق از قاعده تفسیر قرارداد به زیان
تنظیم‌کننده در قراردادهای بیمه
علیرضا یزدانیان - حمید آرابی
۱۳۷
- بررسی امکان تحقق جرم علیه اموال مشاع توسط شریک
محمد باقری کمارعلیا - ناصر نصرتی صدقیانی
۱۶۱
- بانک جهانی در تلاش برای دستیابی به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی
ملیحه بهفر
۱۷۹
- منطقه پرواز ممنوع در حقوق بین‌الملل با توجه به عملکرد شورای امنیت
عقیل محمدی
۲۱۷





توسعه و انتقال فناوری دریایی از دیدگاه حقوق بین‌الملل توسعه و انتقال فناوری در تئوری و عمل

اکبر ادیبی*

چکیده:

پیدایش و تبلور مفهوم میراث مشترک بشریت در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در چند دهه اخیر و بهره‌مندی از آن، با برخورداری از فناوری لازم و توسعه و انتقال آن برای این منظور پیوندی عمیق و ناگسستنی یافته است؛ ضوابط و مقررات و رویه حاکم بر توسعه و انتقال فناوری دریایی متأثر از حقوق بین‌الملل حاکم بر توسعه و انتقال فناوری در کل بوده و از سویی به دلیل وجود موانع مختلف داخلی و بین‌المللی و بدیع بودن فناوری پیشرفته و پیچیده دریایی و توسعه و انتقال آن در رویه و حقوق بین‌الملل و فقد مبانی و قواعد و چارچوب‌های الزام‌آور در نظریه و عمل در این باب، رشد و تکامل و عینیت یافتن این موضوع نیازمند همکاری‌های گسترده و جهانی به ویژه از ناحیه کشورهای پیشرفته و دارنده فناوری مورد نظر و ایجاد و شکل‌گیری تعهدات الزام‌آور قانونی و عرفی در این مسیر است.

کلیدواژه‌ها:

میراث مشترک بشریت، توسعه و انتقال فناوری.

مقدمه

فناوری هدیه خداوند است از آن رو که در خلقت و آفرینش بشر به یمن برخورداری از موهبت خرد و عقلانیت و خلق ایده‌ها و تراوشات فکری در عمل، کمال و رفاه و سعادت خویش را با تسلط و در اختیار گرفتن طبیعت و منابع موجود در آن، شایسته عنوان اشرف مخلوقات شد. فناوری به مفهوم کلاسیک آن زاینده تحولات صنعتی است که اروپا پس از تغییرات فکری و اجتماعی (رنسانس) به آن دست یافت. چنین تحولی طی یک فرآیند خاص تاریخی فقط در جامعه اروپا محقق شد و جوامع دیگر با شگفتی و البته حسرت، نظاره‌گر آثار شگرف فناوری در تمام زوایای فردی و اجتماعی حیات هم‌نوعان اروپایی خود بودند و در صدد اقتباس این «افسون» از دارندگان آن برآمدند. در این تمایل و تلاش دو دیدگاه مختلف وجود داشت: کشورهای فاقد و متقاضی فناوری بر آن بودند که فناوری زاینده تقلا و تلاش‌های فکری و میراث تمام ابناء بشری بوده و نباید به عنوان «مال» مالکیت آن متعلق به شخص و جامعه خاص باشد. در مقابل، کشورهای دارنده معتقد بودند افراد و جوامع، محق در استفاده انحصاری از یافته‌های فکری و صنعتی خود بوده و جوامع دیگر باید حق مبدع و مخترع را به رسمیت بشناسند. تشکیل کنفرانس و انعقاد کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۳ راجع به حقوق مالکیت فکری، دیدگاه دوم را در روابط حقوقی کشورها مستقر و اثبات نمود و از آن پس عناصر فناوری واجد مفهوم و آثار حقوقی شدند. در این میان انتقال فناوری دریایی به لحاظ پیچیدگی خاص و پیشرفت قابل ملاحظه فناوری مزبور و تأثیر شگرفی که بر اقتصاد جوامع خصوصاً دول در حال توسعه و فاقد این فناوری دارد از اهمیت فراوان و بسزایی برخوردار است خصوصاً آنکه حتی دول ساحلی در حال توسعه نیز فاقد فناوری دریایی برای بهره‌برداری از منابع موجود در بستر و زیر بستر دریاها در محدوده صلاحیت ملی خویش و یا خارج از آن هستند. پیدایش و رشد این موضوع در حقوق بین‌الملل به دهه ۷۰ میلادی و هم‌زمان با کنفرانس سوم حقوق دریاها بر می‌گردد در این برهه زمانی با توجه به پیشرفتی که در فناوری بهره‌برداری از اعماق دریاها و منابع موجود در آن از سوی دول توسعه‌یافته صنعتی حاصل شده بود و با توجه به بهره‌برداری انحصاری و یکجانبه این دول از منطقه بین‌المللی دریاها خارج از صلاحیت ملی آنها که عرفاً به عنوان «میراث مشترک بشریت» پذیرفته شده بود، موجبات آگاهی و اعتراضات دول در حال توسعه جهان سوم فراهم شد و لذا این‌گونه دول در خلال کنفرانس سوم حقوق دریاها سعی نمودند ضمن گنجاندن مفهوم میراث مشترک

بشریت در کنوانسیون سوم حقوق دریاها و اعمال محدودیت بر دول توسعه‌یافته صنعتی در بهره‌برداری از منابع غنی این منطقه بین‌المللی دریاها، موضوع انتقال فناوری دریایی را در جهت بهره‌مندی خویش از این منابع و الزام دول توسعه‌یافته صنعتی به این امر، آن را در قالبی حقوقی و رسمی در کنوانسیون قرار دهند؛ از این رو، با غلبه کشورهای در حال توسعه (عمدتاً گروه ۷۷ یا جنبش عدم تعهد)، موضوع انتقال فناوری دریایی در فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به عنوان لازمه بهره‌مندی از منابع موجود در اعماق دریاها که به عنوان میراث مشترک بشریت در فصل یازدهم کنوانسیون مذکور قرار گرفت، گنجانده شد، اما به دلیل مخالفت کشورهای توسعه‌یافته صنعتی با این موضوع، نه تنها فصل چهارم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از قوام و تعهد حقوقی الزام‌آور برخوردار نشد بلکه موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ نیز شرایط انتقال فناوری دریایی را به نفع خویش تغییر دادند و موضوع انتقال فناوری دریایی در نظریه و عمل متأثر از انتقال فناوری در کل شد و بین آنچه که مورد مطالبه کشورهای در حال توسعه در خصوص این موضوع بود با آنچه که واقعیت یافت، اختلاف و تمایز آشکار و عمیقی ایجاد شد. این مقاله در پی آن است که تا ضمن بررسی موضوع در چارچوب حقوق بین‌الملل، بدین سوالات تا حد امکان پاسخ دهد که چه ضوابط و مقرراتی بر توسعه و انتقال فناوری دریایی حاکم است؟ توسعه و انتقال فناوری دریایی از لحاظ نظری و عملی در چه وضعیتی است؟ موانع داخلی و بین‌المللی توسعه و انتقال فناوری دریایی کدامند و در نهایت روند و چشم‌انداز این موضوع به چه صورت است؟

۱- توسعه و انتقال فناوری دریایی در نظریه

۱-۱- مفاهیم اساسی و فرآیند انتقال فناوری

پس از اختراع حروف متحرک چاپ و انقلاب صنعتی در اروپا، تحولی در زندگی بشر به وجود آمد. نیاز به مواد اولیه وارداتی از سوئی و تأمین بازارهای فروش تولیدات و محصولات این کشورها، آنها را به سمت ممالک آسیایی و آفریقایی سوق داد و این‌گونه با شعار «تجارت آزاد» به غارت منابع کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین پرداختند که بعدها به «جهان سوم» معروف شدند و با متلاشی شدن صنایع جوان این کشورها، شکاف بین

کشورهای سرمایه‌داری غرب و ممالک به اصطلاح جهان سوم^۱ وسعت بیشتری پیدا کرد. پس از جنگ دوم جهانی و پیدایش استعمار نو که به فقیرتر شدن کشورهای جهان سوم انجامید، دنیای متمدن و پیشرفته غرب حاضر به در اختیار قراردادن فناوری و دستاوردهای صنعتی خود به کشورهای جهان سوم و بهبود وضعیت اقتصادی آنان نشد. با تأسیس سازمان‌های اکتاد و اوپک و طرح شعار «کمک نه، تجارت بله»، جهان سوم توانست تولیدات خود (مواد اولیه) را در چارچوب قراردادهای تجاری به فروش برساند و در نتیجه غارت صنایع این کشورها در قالب قراردادهای حق الامتیاز متوقف شد. دولتمردان جهان سوم رفته رفته دریافتند که معامله تجاری با دنیای غرب آنچنان هم سودآور نیست و به همین دلیل به جای فروش مواد اولیه و منابع، خواستار دریافت ماشین‌آلات و فناوری لازم برای تبدیل مواد اولیه به کالای مصرفی در کشورهای خود شدند و متعاقباً شعار «کمک نه، سرمایه‌گذاری بله» جایگزین شعار قبل شد. کشورهای غربی برای حفظ منافع بلندمدت خود با آموزش کارشناسان جهان سوم و اعزام مبلغان، زمینه‌های سرمایه‌گذاری در این کشورها را مشخص نمودند، مثلاً در کشورهای نفت‌خیز، این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در جهت کاهش هزینه تولید و حمل نفت صرف شد. بیشتر حکومت‌های وابسته جهان سوم به همان نسخه‌هایی که غرب برای آنها می‌پیچید، عمل می‌کردند و به همین دلیل شعار سرمایه‌گذاری هم نتوانست نیاز کشورهای عقب‌مانده را به فنون و صنایع جدید بر طرف سازد به ویژه که کشورهای غربی به بهانه‌های مختلف از دادن امکانات لازم برای ایجاد صنایع مادر خودداری و سود حاصل از سرمایه‌گذاری خود را به خارج منتقل می‌کردند. این‌گونه بود که کشورهای جهان سوم تنها راه حل ممکن برای رفع نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دستیابی به دانش و صنعت جدید یافتند و کوشیدند با خرید دانش فنی و انتقال فناوری، فاصله خود را با جهان صنعتی کم کنند و به توسعه اقتصادی و اجتماعی نائل شوند. در آغاز، هدف از انتقال فناوری، جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی و تولید این‌گونه کالاها و خدمات در داخل بود که به صنعتی شدن از طریق «جایگزینی واردات» معروف شد ولی با توجه به بافت این کشورها و تقاضای محدود برای کالاهای جدید، کشورهای تازه‌استقلال‌یافته، راهبرد صنعتی شدن خود را از «تولید به منظور جانشینی واردات» به «تولید به منظور گسترش صادرات» تغییر دادند و به این ترتیب تضاد منافع بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی به

۱. نک: وانگ تی، «جهان سوم و حقوق بین‌الملل»، ترجمه محسن مجبی، ش ۸، بهار و تابستان ۱۳۶۶، صص

شکل دیگری پدید آمد^۲ و این تضاد و شکاف همچنان ادامه دارد گو اینکه حیات کشورهای پیشرفته غربی به این موضوع بستگی دارد. از لحاظ نظری برای فناوری، تعاریف گوناگونی ارائه شده اما در یک تعریف جامع می‌توان آن را به دانش و مهارت‌های لازم برای تولید کالا و خدمات که حاصل قدرت فکری و شناخت انسان و ترکیب قوانین موجود در طبیعت است، تعبیر نمود؛^۳ و انتقال فناوری به معنای انتقال دانش و فن یک تکنیک است که در داخل کشور موجود نبوده و امکان تدارک آن نیز در داخل میسر نیست، بنابراین، می‌توان انتقال فناوری را عملیاتی دانست که نتیجه آن انتقال برخی از اجزاء یا کل اجزاء تشکیل‌دهنده فناوری از سوی صاحب فناوری به دریافت‌کننده فناوری بر اساس قراردادی که منعقد می‌شود تعبیر نمود. انتقال فناوری باید به گونه‌ای صورت گیرد که موجب رشد قدرت تفکر صنعتی در داخل جامعه شده و قدرت دستیابی به تکنیک جدید را بارور سازد.^۴ انتقال فناوری باید به همراه انتقال علم باشد و به عبارتی «علم امروز، فناوری فردا است.» بنابراین، کشورهای در حال توسعه برای اینکه در مسیر انتقال فناوری موفق عمل کنند باید همراه با انتقال فناوری به انتقال دانش و اطلاعات علمی هم پردازند.^۵

به طور کلی فرآیند انتقال فناوری شامل مراحل ذیل است:

۱- انتخاب فناوری: در این مرحله توجه به دو نکته، اهمیت اساسی دارد؛ اول آنکه نیازهای فناورانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و به عبارتی مؤلفه‌های آموزش و تأمین نیروی انسانی متخصص، شناسایی احتیاج بخش‌ها و قسمت‌ها به نوع فناوری‌های مورد احتیاج (فناوری‌های کاربر یا سرمایه‌بر)، شناسایی فناوری‌های مناسب از نظر ایجاد و پرورش مزیت نسبی، ارتباط و رشد زمینه‌های علمی و تحقیقاتی و ...، مورد لحاظ و بررسی قرار گیرد و دوم آنکه شناسایی و ارزیابی دقیقی از فناوری‌های مورد نیاز در کشورهای مبدأ، بهترین

۲. قربان یوسف پور، «انتقال فناوری»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۶۶ - ۱۶۵، خرداد و تیر ۱۳۸۰، صص ۲۳۳-۲۳۲.

۳. رافائل کاپلیسکی و چارلز کوپر، فناوری و توسعه در سومین انقلاب صنعتی، ترجمه جمشید زنگنه، (تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴)، ص ۲۰۷.

۴. مجید عباسپور، فناوری و جهان امروز، (تهران: صدرا، ۱۳۶۶)، ص ۳۰۱.

۵. مانوئل کاستلز، عصراطاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰)، ج ۳، ج اول، ص ۳۵.

شیوه مطلوب برای انتقال و دسترسی آسان و کم‌هزینه ضمن لحاظ شرایط سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و ... صورت گیرد؛

۲- مذاکره و کسب فناوری: در این مرحله با لحاظ جمیع شرایط مرحله قبل، میزان تسلط افراد مذاکره‌کننده بر مسائل فنی، مالی و حقوقی و ... نقش مهمی در مذاکره و کسب امتیاز دارد؛

۳- مرحله انطباق و جذب: تطبیق و پیوند دادن فناوری‌های وارداتی با شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی کشور دریافت‌کننده مانند توان سرمایه‌گذاری، سطح مهارت نیروی انسانی، امکانات زیربنایی؛ شرایط آب و هوایی و اهداف و سیاست‌های اقتصادی را انطباق فناوری می‌گویند. جذب فناوری یکی از مراحل پیچیده انتقال آن به حساب می‌آید که شامل مراحل مختلفی از جمله درک کامل فرآیندهای انتقال و طراحی فنی تجهیزات، پی بردن به دانش مستقر در فناوری کسب شده، آموختن روش‌های تولید و ... خواهد بود و بدین لحاظ است که باید سعی شود تا حد امکان فناوری‌های وارداتی را بومی کرد و مهم‌تر از همه، این روند باید به توسعه فناوری بر حسب نیازهای داخلی منتهی شود؛^۶

۴- کاربرد و بهره‌برداری: دستیابی به روش‌های تولید احداث ساختمان و تأسیسات، طراحی‌های لازم بر اساس فناوری انتقال‌یافته، نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات، بازاریابی، فروش و فعالیت‌ها و اقداماتی که قبل از بهره‌برداری صورت می‌گیرد جزء مرحله کاربرد و بهره‌برداری به حساب می‌آید؛^۷

۵- توسعه و انتشار: فرآیند انتقال فناوری هنگامی کامل خواهد شد که با استفاده از دانش انتقال یافته و مهارت و تجربه کسب شده در روند انتقال فناوری، فناوری انتقال یافته تکمیل و فناوری‌های جدید خلق شوند، در این صورت ما به مرحله توسعه فناوری قدم گذاشته‌ایم که این امر نیز بدون وجود نهادهای تحقیق و توسعه امکان‌پذیر نیست.^۸

روش‌های انتقال فناوری نیز با توجه به توان فنی، سطح فنی دریافت‌کننده، منافع منتقل‌کننده و شرایط و اوضاع و احوال داخلی و بین‌المللی به انحاء گوناگون ذیل ممکن است صورت پذیرد:

۶. مجید عباسپور، همان منبع، ص ۳۱۵.

۷. قربان یوسف‌پور، همان، ص ۲۳۶.

۸. مرتضی محمدخان و دیگران، فرآیند انتقال فناوری در بخش صنایع سبک ایران، چاپ اول (تهران: وزارت

اقتصاد و دارایی، ۱۳۷۳)، صص ۱۵۴-۱۴۸.

۱- انتقال فناوری از طریق جلب سرمایه‌گذاری خارجی که بنا به دلایل مختلف

بیشتر مورد توجه شرکت‌های چند ملیتی و کشورهای در حال توسعه است؛^۹

۲- سرمایه‌گذاری مشترک که در این روش کشور دریافت‌کننده فناوری نقش بیشتری

را به عهده می‌گیرد و در صورتی با موفقیت همراه است که کشور دارای فناوری، کارشناسان و نیروهای انسانی کشور گیرنده فناوری را در مراکز تولیدی خود بپذیرد؛

۳- بستن قرارداد مشروط که وفق این روش، کشور دارنده فناوری قسمتی از کار را

بر اساس مقررات کشور دریافت‌کننده تحت نظارت و کنترل خویش به شرکت‌ها و پیمانکاران محلی کشور دریافت‌کننده فناوری واگذار می‌کند اما مسؤولیت اصلی بر عهده کشور دارنده فناوری است؛

۴- فروش یکجا یا کلید در دست که در این روش کل مراحل انتقال و کل مسؤولیت

اجرای طرح از تحقیق تا راه‌اندازی فناوری مورد نظر بر عهده شرکت یا کشور صاحب فناوری است که البته این روش دارای معایب بزرگی چون عدم کسب تجربه و افزایش دانش فنی کشور دریافت‌کننده، سنگینی هزینه‌های پروژه برای کشور دریافت‌کننده و ... است؛

۵- خرید یا پروانه امتیاز و حق اختراع که در این روش صاحب فناوری تضمین

راه‌اندازی، تولید و فروش محصول را بر عهده می‌گیرد و بابت انجام کل یا قسمتی از کار حقی به عنوان پیش‌پرداخت یا در صدی از تولید، فروش یا سود به صاحب فناوری تعلق می‌گیرد. موفقیت در این روش به قدرت و توان مذاکره‌کننده بستگی دارد؛

۶- روش انتقال فناوری از طریق ایجاد صنایع مونتاژ که ساده‌ترین نوع فناوری است و

به دلایل گوناگون از جمله سریع‌الانتقال و احداث بودن این صنایع، کوتاه بودن مدت برگشت سرمایه، تصور غلط پیمودن و پیوستن سریع به مرحله صنعتی شدن و ... بیشتر مورد توجه کشورهای دریافت‌کننده فناوری قرار گرفته است. معمولاً این صنایع بیشتر سرمایه‌بر هستند تا کاربر؛

۷- روش انتقال از راه ارتباط خاص بین دولت‌ها که در این روش، انتقال فناوری از

کشورهای پیشرفته و صنعتی به کشورهای دریافت‌کننده آن، در قبال دریافت برخی از امتیازات سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد؛

۹. مصطفی‌السان، «ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش

۸- جاسوسی صنعتی که عمدتاً و در سطح وسیع بین کشورهای صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛

۹- سرمایه‌گذاری در تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای که در این روش، انتقال فناوری بر پایه استفاده از کلیه امکانات سیاسی و اقتصادی، سنجیدن، شرایط داخلی و بین‌المللی، تعیین فناوری مورد نیاز و ... استوار است.

علاوه بر این روش‌ها، راه‌های دیگری نظیر خرید دانش فنی؛ اعزام نیرو به خارج جهت آموزش کاربردی و تخصصی؛ بهره‌گیری از مشاوران خارجی؛ و ... نیز موجود است که انتخاب بهترین و مناسب‌ترین روش انتقال فناوری باید با لحاظ جمیع شرایط و امکانات داخلی و بین‌المللی صورت پذیرد.^{۱۰}

در نهایت، در باب انتقال فناوری دریایی با لحاظ مفاد فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ و موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ و تأکید بر همکاری‌های بین‌المللی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و یا همکاری‌های چندجانبه و دوجانبه و اشکال گوناگون این همکاری، فرآیند انتقال فناوری دریایی همانند انتقال فناوری در کل و با رعایت اصول و قواعد کلی حاکم بر حقوق و تکالیف دارندگان، عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان فناوری دریایی از جمله حقوق مالکیت معنوی است، اما در خصوص روش‌های انتقال فناوری دریایی، هر چند که صراحتاً از روش خاصی از انتقال فناوری دریایی ذکر نشده اما مستنبط از مواد ۲۷۳ تا ۲۸۷ فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای و مواد ۲ و ۵ موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴، می‌توان بیان داشت که روش‌های انتقال فناوری دریایی از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده که عمدتاً از طریق همکاری با سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار از جمله مقام بین‌المللی اعماق دریاهای و یا سرمایه‌گذاری‌های مشترک با لحاظ جمیع شرایط مناسب تجاری حاکم بر بازار آزاد دانست^{۱۱}

۱۰. سعید سعید اردکانی، «مدیریت انتقال فناوری»، مجله پیام ارتباطات، ش ۱۱، تیر ۱۳۷۹، صص ۱۲-۱۱.

۱۱. فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲م حقوق دریاهای بر توسعه و انتقال فناوری دریایی با شرایط و مفاد عادلانه و متعارف تأکید می‌ورزد که به دلیل مخالفت کشورهای توسعه یافته و عدم پیوستن آنها به کنوانسیون مزبور ناشی از شروط و مقررات فصل یازدهم کنوانسیون در باب «میراث مشترک بشریت» و فصل چهاردهم آن که به نفع دول در حال توسعه تنظیم گردیده بود؛ در نهایت موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴م با کسب رضایت دول توسعه یافته، بر انتقال فناوری دریایی بر اساس شرایط مناسب تجاری حاکم بر بازار آزاد و رعایت دیگر حقوق مربوطه خصوصاً حقوق مالکیت معنوی، حالت اجرایی یافت و ملاک و رویه عمل در این خصوص گردید.

که البته در استفاده از دیگر روش‌های انتقال فناوری بنا به اصل «آزادی اراده» از سوی دولت‌ها و یا اتباع آنها، محدودیتی وجود ندارد.

۱-۲- توسعه و انتقال فناوری بر توسعه از دیدگاه حقوق بشر (حق بر توسعه)

نظریه‌های توسعه عمدتاً به تجربه کشورهای پیشرفته مربوط می‌شوند. بر این اساس، دیدگاه‌های سنتی مربوط به توسعه در کشورهای در حال توسعه معمولاً بر اساس این فرض استوارند که تحقق توسعه در همه جا امکان‌پذیر است و سرمایه فناوری می‌تواند از کشورهای پیشرفته به سوی کشورهای در حال توسعه سرازیر شود. اعتقاد بر این بود که گسترش سرمایه‌داری، مسأله فقر، گرسنگی، بهداشت و امثال آن را حل خواهد کرد. با این حال پس از جنگ جهانی دوم، روشن شد که این رویکرد سرمایه‌داری، مسائل کشورهای در حال توسعه را حل نمی‌کند. واکنش فکری در مقابل این امر در کشورهای مزبور به صورت دیدگاه‌های متنوع در خصوص توسعه ظاهر شد و دستیابی به توسعه، اولویت تردیدناپذیر کشورهای جهان سوم تلقی شد. دو ابرقدرت آن زمان نیز هر یک در این کارزار تلاش کردند تا بر شمار اعضای اردوگاه خود بیفزایند و سازمان ملل نیز به بسیج گسترده‌ای دست یازید تا از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی و سازمان‌های تخصصی خود که بعضاً در عنوان خود واژه دلربای توسعه را نیز یدک می‌کشیدند، نقش هادی و آموزگار توسعه را ایفاء نماید. در نتیجه این فرآیند، کشورهای توسعه‌یافته بیشتر توسعه یافتند و دیگر کشورها نیز با قرار گرفتن در جرگه کشورهای در حال توسعه به تکاپوی جهانی برای توسعه پیوستند. هر چند در این میان، برخی از این کشورها به درجاتی از توسعه و رشد دست یافتند، اما این همه، تنها محصول به دست آمده نبود. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بنا به دلایل متعدد و متنوع و از جمله ناموزونی در امر توسعه، یک سری بحران‌هایی رخ نمود که عدم فائق آمدن رهبران نوساز بر آنها منجر به خروج کشور از مسیر توسعه مورد نظر و گزینش شده گردید. دامنه بحران‌های توسعه به کشورهای توسعه‌یافته نیز کشیده شد. تخریب محیط زیست، اتلاف منابع طبیعی، تشدید نابرابری‌ها و تنش‌های اجتماعی، از خود بیگانگی، بسته شدن فضای سیاسی به بهانه برقراری ثبات و پیشبرد سیاست‌های رشد و کاهش سهم گروه‌های اجتماعی در فرآیند تصمیم‌گیری و ...، مهم‌ترین پی‌آمدهای نامطلوب توسعه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال

توسعه بود. این چنین بود که بحث‌های نوینی درباره معانی، اهداف و طرق دستیابی به توسعه در گرفت.^{۱۲}

از دیدگاه تئوری، مهم‌ترین ایده در امر توسعه، تحول یکپارچه و به هم پیوسته در سیستم اقتصادی بین‌المللی است. در این ارتباط نیز دو تئوری انتقادی وجود دارد:

بر اساس تئوری نخست، کلید رشد اقتصادی، مشارکت گسترده و روز افزون در سیستم روابط اقتصادی بین‌المللی است در حالی که مطابق تئوری دوم، فعالیت این سیستم نه تنها علت واقعی عقب‌ماندگی است بلکه مسؤول حفظ و تداوم این وضعیت هم هست. در این ارتباط، یک نظریه میانه‌ای وجود دارد که بر اساس آن اگر یک کشور در حال توسعه از یک سیاست گزینشی پیروی نماید، می‌تواند بدون افتادن در دام وابستگی قدرت‌های رقیب از آثار مثبتی که از سوی کشورهای صنعتی می‌رسد، بهره ببرد.^{۱۳} سرانجام در حوزه توسعه، کانون فکری دیگری به وجود آمد که به مکتب «پیشرفت آهسته ولی توزیع منصفانه»^{۱۴} معروف شد. طرفداران این مکتب چنین استدلال می‌کنند که توسعه اقتصادی به طور جاهلانه‌ای با رشد در آمد ملی یکسان گرفته شده و به توزیع منصفانه ثروت توجهی نشده است؛ از نظر آنها برای آنکه بتوان دولتی را کارآمد و موفق دانست، شادی و رفاه باید از قبل به طور گسترده و عادلانه‌ای در کشور مربوطه توزیع شده باشد.^{۱۵} چنین فرض می‌شد که رشد اقتصادی همه چیز است که کشورهای در حال توسعه جهت محو فقر بدان نیازمند هستند. بدین صورت که رشد اقتصادی برای نیل به یک زندگی مولد و انسانی، فرصت‌های طلایی برای فقرا ایجاد می‌کند. از دهه ۷۰ میلادی، کشورهای در حال توسعه دیگر منتظر فرصت‌های طلایی نشدند. محور استدلال این بود که تحول اساسی و ساختاری در روابط اقتصادی بین قطب شمال و جنوب برای رشد اقتصادی ضروری است. آنها جهان را به یک نظم نوین اقتصادی فراخواندند که عمدتاً بر روی تجارت منصفانه و چارچوب‌های متعادل برای مذاکرات چندجانبه تمرکز یافته بود؛ در حالی که تمرکز بر روی فقرا، قسمت عمده مباحث جاری را شکل می‌داد، راهکار

۱۲. بئک لویس، «دگرگونی در مفاهیم و هدف‌های توسعه»، ترجمه حمید قاضیان، نامه فرهنگ، سال دوم،

ش ۱-۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۰، صص ۹۱-۷۲.

13. Kardos Gabor, "Right to peace, Right to development, Right to healthy environment", in: human rights and third world development, ed by w. shepherd and p. nanda, (London: Greenwood press, 1995), p. 230.

14. Go it slow but distribute it fairly.

۱۵. کارل دویچ و دیگران، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، (تهران: موسسه انتشارات جهاد

دانشگاهی، ۱۳۷۵)، ص ۴۱۹.

نیازهای اساسی بشری، «محو فقر» را به عنوان هدف مهم توسعه به رسمیت شناخت. در دهه ۸۰ میلادی، حجم وسیع وام‌های خارجی با بهره‌های بالا به حالت انفجار نزدیک شد و کشورهای در حال توسعه جهت ادامه کمک‌ها و وام‌های بین‌المللی مجبور به پذیرش یک سری محدودیت‌های اساسی شدند. متعاقب این بحران، کشورهای در حال توسعه مجبور به شروع برنامه‌های تثبیت و تعدیل اقتصادی شدند که از سوی نهادهای مالی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دیکته می‌شد. اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی این دو مؤسسه علاوه بر تأثیرگذاری بر اقتصاد کشورها، در مواردی بر اقتصاد جهانی تأثیر نامطلوب گذاشت به گونه‌ای که افزایش فقر در کشورهای در حال توسعه به تخریب محیط زیست منجر شد. نقایص عمده در برنامه‌های این نهادهای بین‌المللی به ویژه نبود برنامه جامع برای حمایت از فقرا، عدم توجه به مسائل انسانی، اجتماعی و فرهنگی و عدم توجه به محدودیت منابع طبیعی و محیط زیست باعث شکل‌گیری نظریات جدید در امر توسعه شد لذا توجه به موضوع «توسعه پایدار انسانی»^{۱۶} محصول این رویکرد انتقادی به مباحث و نظریات پیشین توسعه بود.^{۱۷} گزارش کمیسیون برنولند مهم‌ترین سند در این زمینه بود. در این گزارش، «توسعه پایدار» این‌گونه تعریف شد: «توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را تأمین نموده بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را برای بر طرف کردن نیازهایشان از بین ببرد».^{۱۸} توسعه تنها زمانی می‌تواند پایدار باشد که عامل هراس از نابودی هویت فرهنگی و اجتماعی نباشد، توسعه پایدار بر اساس سه اصل عمده پایداری زیست‌محیطی؛ پایداری اجتماعی و فرهنگی؛ و پایداری اقتصادی به گونه‌ای که در نهایت پشتیبان نسل‌های آتی باشد، استوار است.^{۱۹} حاصل تلاش‌های کشورهای در حال توسعه در این برهه از زمان به صورت مختلف در اسناد و کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی تجلی یافت.^{۲۰} به موجب بند ۱ ماده ۲ اعلامیه راجع به حق توسعه، فرد انسانی موضوع اصلی توسعه است و بنابراین، انسان،

16. Sustainable human development

17. Betty Plews, "Sustainable human development as a global framework", international journal of canadian institute of international affair, Vol VI, No 2, 1999, PP. 214-15.

18. World committee in environment and development, our common future, (London: Oxford university press, 1997), p. 43.

۱۹. وحید سنایی، «توسعه پایدار و گردشگری»، مجله اصلاحات سیاسی اقتصادی، ش ۹۶-۹۵، مرداد و

شهریور ۱۳۷۴، ص ۱۳۴.

۲۰. نک: حشمت‌الله سماواتی، «مفاهیم حقوقی توسعه، نقش و تأثیرات آن در کمک‌های خارجی»، مجله

دیدگاه‌های حقوقی، سال اول، ش ۲، ۱۳۷۴، صص ۱۹۶-۱۸۴.

شرکت‌کننده فعال و استفاده‌کننده حق بر توسعه است. همچنین بند ۱ ماده این اعلامیه در این ارتباط بیان می‌دارد که: «حق توسعه حق لاینفک بشر است که به موجب آن هر فرد انسانی و همه مردم حق شرکت و کمک به توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خویش را دارند، در این توسعه کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسانی می‌توانند تحقق کامل یابند و از این توسعه بهره‌مند شوند.» بنابراین، حق توسعه یک حق جهانی و جدایی‌ناپذیر در بین حقوق اساسی بشر و شخص انسان موضوع اصلی آن شد.^{۲۱} کنفرانس ملل متحد برای جمعیت و توسعه که به همت و همکاری سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ در قاهره تشکیل شد، بر اهمیت این موضوع و جدایی‌ناپذیری توسعه از دیگر ابعاد حقوق انسانی صحنه گذارد.^{۲۲} البته هر کشوری می‌تواند روش خاصی را برای اعمال حق بر توسعه در پیش گیرد. تحقق حق بر توسعه مستلزم تحقق کامل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش است که به موجب آن هر ملتی دارای حق تعیین سرنوشت خویش است و به موجب آن هر ملتی دارای حق تعیین آزادانه راه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش است و دولت‌ها مسؤولیت اولیه ایجاد و شرایط داخلی و بین‌المللی مساعد برای تحقق حق بر توسعه را بر عهده دارند^{۲۳} (بند ۱ ماده ۳ اعلامیه حق بر توسعه). در نهایت، توسعه در کلیه اشکال آن و محو تبعیضات بین کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه یا به اصطلاح جهان سوم، مطمئن‌ترین بنیان برای صلح است و بدون توسعه امکان صلح پایدار وجود ندارد. ریشه بسیاری از معضلات و چالش‌های جهان معاصر نظیر تروریسم، جنگ‌های داخلی، مهاجرت و فقر را باید در عدم دستیابی به توسعه پایدار و بی‌عدالتی جست‌وجو کرد.^{۲۴} واقعیتی که مورد توجه سران کشورهای جهان در اجلاس هزاره ملل متحد قرار گرفت.^{۲۵} از سویی دیگر، موضوع انتقال فناوری، علاوه بر ارتباط ویژه و تنگاتنگ با توسعه و تجارت بین‌المللی، عنصر اساسی توسعه پایدار در دنیای معاصر را تشکیل می‌دهد که در این زمینه توسعه و انتقال فناوری دریایی به لحاظ تأثیر قابل ملاحظه و غیر قابل انکاری که بر اقتصاد کشورها به

21. UN Doc. "The declaration on the right to development», GA/Res 41/128 4 Dec 1986.

22. Year book of the United Nations, "Poputation and Development", 1998, PP. 955-965.

۲۳. زاکی اینیاسی، «جوامع محروم»، مجله پیام یونسکو، سال ۲۶، ش ۳۹۸، دی ۱۳۷۴، صص ۹-۵.

۲۴. حسینعلی بهرام زاده، «توسعه پایدار»، مجله تدبیر، سال چهاردهم، ش ۱۳۴، تیر ۱۳۸۲، صص ۴۰-۳۵ و

حسین نصیری، «توسعه پایدار: چشم انداز جهان سوم»، سال دوازدهم، ش ۱۲۸-۱۲۷، فروردین و اردیبهشت ۷۷،

صص ۱۹۹-۱۹۰.

25. UN Doc., Millennium Declaration, DPI/2163 (Sep 2000), Paras 11-20.

خصوص دول در حال توسعه و بهره‌مندی آنها از منابع غنی و فراوان دریایی دارد، در چند دهه اخیر از جایگاه و اهمیت ویژه و فراوانی برخوردار شده به گونه‌ای که یکی از مباحث بسیار مجادله‌آمیز کنفرانس سوم حقوق دریاها و اختلاف شدید کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه همین فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها یعنی «انتقال فناوری دریایی» بود.

۱-۳- حقوق حاکم بر انتقال فناوری

آنچه در اینجا مد نظر است حقوقی است که در فرآیند توسعه و انتقال فناوری به لحاظ شکلی و محتوا حاکم است و بدین لحاظ مواردی چون جاسوسی صنعتی، اعزام نیرو به خارج جهت تربیت نیروی متخصص یا بازدید و تحقیق، نشر و بهره‌مندی از مقالات و مجلات و نشریات، اساساً فارغ از جنبه‌های حقوقی خاص این موضوع است. از سویی دیگر، از آنجا که در این فرآیند، توسعه و انتقال فناوری در سطح برون‌مرزی و بین تابعان حقوق بین‌الملل - و یا یک تابع حقوق بین‌المللی با شخص حقوقی دیگر نظیر شرکت‌های فراملیتی - مورد نظر است، طبیعی است که حقوق قابل اعمال در این فرآیند را حقوق بین‌الملل بدانیم که بنا به اقتضای فرآیند مورد انتخاب و یا نوع رابطه حقوقی می‌تواند متغیر و متنوع شود اما این امر به گونه‌ای نیست که بتوان حقوق ملی حاکم بر توسعه و انتقال فناوری را نادیده گرفت، چرا که در هر صورت، لاقلاً کشور دریافت‌کننده فناوری، پذیرای نهایی این فناوری است که به همراه خود آثار متعدد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و ... ایجاد می‌نماید و لذا طبیعی است که هر کشور تا حدی که امکان دارد و بر خلاف حقوق بین‌الملل حاکم بر این فرآیند نباشد، متمایل به گسترش و اعمال حقوق ملی خویش در چنین فرآیندی است. بنابراین، از آنجا که در این فرآیند پیچیده و برخوردار از ملاحظات گوناگون، مسائل و موضوعات گوناگونی مطرح و حادث می‌شود، حقوق قابل اعمال با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر موضوع توسعه و انتقال فناوری در عرصه بین‌المللی و داخلی و یا شرایط زمانی و مکانی در جریان فرآیند، تعیین می‌شود، اما به طور کلی و اجمال می‌توان موارد ذیل را در حقوق حاکم بر توسعه و انتقال فناوری مد نظر داشت:

۱- با توجه به اهمیت و برجستگی بعد تجاری و اقتصادی در فرآیند توسعه و انتقال فناوری، قانون و مقررات و یا عرف و رویه و یا اصول حقوقی موجود در تجارت بین‌المللی را می‌توان یکی از موارد مورد لحاظ در تعیین حقوق حاکم بر توسعه و انتقال فناوری مد نظر

داشت. از این جنبه می‌توان قواعد الگوی آنسیترال نظیر قانون الگوی آنسیترال در خصوص معاملات کالاها، ساختمان و خدمات (۱۹۹۳) و راهنمای حقوقی آنسیترال در خصوص معاملات متقابل و بین‌المللی و ساخت کارخانجات صنعتی^{۲۶} مصوبات کنفرانس ملل متحد در توسعه و تجارت (آنکتاد)^{۲۷} و مهم‌تر از همه، قواعد و مقررات موجود در چارچوب سازمان جهانی تجارت^{۲۸} و یا عرف و رویه و اصول کلی حقوقی موجود قابل اعمال در این فرآیند را مد نظر داشت.

۲- مصوبات و مقررات و یا عرف و رویه مورد لحاظ در سازمان توسعه صنعتی (یونیدو)، از جمله مواردی است که در تعیین و اعمال حقوق حاکم بر فرآیند توسعه و انتقال فناوری اهمیت فراوان داشته خصوصاً آنکه این سازمان از جمله مؤسسات بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد بوده و همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد، عضو این سازمان تخصصی صنعتی نیز هستند.^{۲۹}

۳- با توجه به اهمیت فرآیند حقوق مالکیت فکری خصوصاً در باب توسعه و انتقال فناوری و به طور کلی در باب معاملات و تجارت بین‌المللی و وجود منافع خاص دارندگان فناوری، رعایت و اعمال حقوق مالکیت فکری به ویژه در زمینه اختراعات و اکتشافات، علی‌الاصول اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا می‌توان به اقدامات و کنوانسیون‌های صورت گرفته در چارچوب سازمان مالکیت فکری (وایپو) اشاره نمود. اما باید اذعان داشت که برخی از کشورهای جهان سوم در این زمینه دچار کمبود و ضعف‌های اساسی و شدید هستند،

۲۶. کلایو ام. اشمیتوف، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه‌ها: سمت، ۱۳۷۸)، دوجلد، صص ۱۰۶-۹۸ و ۱۱۱۳-۱۱۱۱؛ همچنین جهت مطالعه بیشتر این قواعد و راهنماهای الگو به سالنامه‌های منتشره آنسیترال رجوع شود.

۲۷. ابراهیم سنجر، «نقش سازمان ملل متحد در توسعه تجارت و قانونمند ساختن آن»، مجله سیاسی و اقتصادی، ش ۸۴-۸۳، آذر و دی ۱۳۸۱، صص ۲۰۹-۱۹۸.

۲۸. نک: هوشنگ گودرزی، سازمان جهانی تجارت: سابقه، نظریه‌ها و اصول و مقررات حاکم، (تهران: ترقی، ۱۳۸۰) و آگوسین و دیگران، کشورهای در حال توسعه و سازمان جهانی تجارت و گات: فرصت‌ها و چالش‌ها، ترجمه احمد یزدان پناه و سیف‌الله صادقی یارندی، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۴).

۲۹. نک: یونیدو، صنعت در جهان متغییر: مطالعه توسعه صنعتی جهان، ترجمه غلامرضا نصیرزاده، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵) و طهماسب محتشم دولتشاهی، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی (تهران: ویستار، ۱۳۷۵).

گو اینکه رعایت این موضوع همانند سدی در قبال بهره‌مندی آنان از فناوری‌های موجود و برتر تجلی می‌یابد.^{۳۰}

۴- اقدامات و فعالیت‌های دیگر سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی و یا منطقه‌ای (به ویژه در چارچوب اتحادیه اروپا) در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی و معاملات و تجارت بین‌المللی نظیر آژانس ضمانت سرمایه‌گذاری چندجانبه^{۳۱} و کنوانسیون‌های بین‌المللی و یا منطقه‌ای^{۳۲} مرتبط و عرف و رویه موجود در این خصوص و در نهایت اصول کلی حقوقی و حقوق ملی مرتبط و قابل لحاظ از دیگر موارد حقوق حاکم بر توسعه و انتقال فناوری در یک بررسی کلی هستند.^{۳۳}

۵- به عنوان قاعده‌ای کلی، در قوانین ملی اکثر کشورها اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه و جهان سوم و یا عهدنامه‌های بین‌المللی مانند عهدنامه ۱۹۸۰ در خصوص قانون قابل اعمال بر تعهدات قراردادی یا عهدنامه‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۸۵ لاهه در خصوص قانون قابل اعمال بر بیع بین‌المللی کالا و اسناد و رویه‌های داوری بین‌المللی، آزادی یا استقلال اراده

۳۰. نک: بهزاد صابری انصاری، سازمان جهانی مالکیت معنوی: وایپو، (تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)، و شاهد علیخان و دیگران، مزایای اقتصادی- اجتماعی حمایت از حقوق مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه، (تهران: فصل سبز گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱).

۳۱. این سازمان جزء مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد می‌باشد که به موجب مواد ۵۷ و ۶۳ منشور ملل متحد تشکیل گردیده است. عنوان اختصاری این سازمان بدین قرار است:

Multimedia Investment Guauratee Agency: MIGA

۳۲. کنوانسیون لومه یک نمونه از موافقتنامه مشارکتی در خصوص توسعه فناوری صنعتی بین جامعه اروپایی و دولت‌های عضو از یک سو و گروهی از دول آفریقایی موسوم به کشورهای کارائیب (ACP) از سوی دیگر می‌باشد؛ هر چند قلمرو و موضوع اولیه این کنوانسیون، کمک به توسعه تجارت و ارائه کمک‌های مالی به این کشورها از محل یک صندوق اروپایی است. یک مرکز توسعه صنعتی در بروکسل به عنوان اداره مشورتی و تحقیقی توسعه صنعتی کشورهای کارائیب، مشاوره‌هایی را در زمینه توسعه و انتقال فناوری در جهت تحقق منافع کشورهای کارائیب عرضه می‌دارد. نک:

Hans Van houtte, The Law of international trade, (London: Sweet & maxwell, 2001), pp. 216-217 and:

بهزاد گل زرودی، «کنوانسیون‌های لومه و روابط شمال - جنوب»، نشریه اطلاعات، ش ۳-۲۳، ۲۳-۲۰ دی ۱۳۸۰، ص ۱۲.

۳۳. ذکر همه این سازمان‌ها و مؤسسات و یا کنوانسیون‌ها و اصول و رویه و حقوق موجود موجب اطاله بحث و خارج از موضوع می‌باشد. جهت مطالعه بیشتر برخی از این اصول و رویه‌ها رجوع کنید به: موسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، ترجمه بهروز اخلاقی و فرهاد امام، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۹)، صص ۳۳-۹.

طرفین به عنوان مبنای قاعده حل تعارض و قانون حاکم در قراردادهای پذیرفته شده و در اعتبار بخشیدن به قانون منتخب طرفین در قراردادهای نسبت به تعهدات قراردادی تردیدی نیست.^{۳۴}

۶- علی‌الاصول، هر قراردادی که قرارداد مابین دولت‌ها به اعتبار تابع حقوق بین‌الملل نباشد، بنیادش بر یک قانون ملی استوار است. این موضوع به ویژه در رابطه با روابط اقتصادی و تجاری بین دولت‌ها و شرکت‌های فراملیتی جاری است اما مانع از اعمال حقوق بین‌الملل در صورت توافق طرفین و موارد مقتضی نیست. به هر صورت، این مسأله که قانون مذکور کدام قانون است، موضوع بخشی از حقوق است که امروزه غالباً آن را به نام حقوق بین‌الملل خصوصی و یا نظریه‌های تعارض قوانین می‌شناسند.^{۳۵}

اگر چه از سال ۱۹۷۰ تا کنون موضوع انتقال فناوری و چارچوب‌های آن، به طور قابل ملاحظه‌ای در حال رشد و تکامل بوده، اما هنوز این موضوع به طور اساسی حالت شکننده و تجزیه شده‌ای داشته، به گونه‌ای که اصول و قواعد این موضوع کماکان واجد جنبه حقوق بین‌الملل عرفی است.^{۳۶} در این میان، شناسایی منابع بکر و سرشار و عظیم کانی در اعماق و بستر و زیر بستر دریاها و اعلام آن به عنوان میراث مشترک بشریت و بهره‌برداری و بهره‌مندی از آن از طریق فناوری پیشرفته دریایی و توسعه و انتقال آن بدین منظور، با گذشت چند دهه از طرح موضوع در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، همچنان از بداعت و تازگی خاصی برخوردار بوده و قوام و استحکام و رویه متحدالشکل و لازمی در این خصوص ندارد و مراحل ابتدایی خویش را طی می‌نماید. این امر، به ماهیت اعلامی و نه حقوقی مستحکم و الزام‌آور فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و ماهیت تجاری موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ در باب انتقال فناوری دریایی و اجرای فصول یازدهم و چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از یک سو و مدت زمان کوتاه اجرایی شدن موضوع از زمان تصویب و اجرای این ترتیبات از سوی دیگر و مهم‌تر از همه غلبه منافع دول توسعه‌یافته بر

۳۴. حمیدرضا نیکبخت، «چگونگی تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۲-۲۱، زمستان ۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷، صص ۲۱۸ و ۲۱۹ و حسینعلی احمدی جشقانی، اجرای تعهد قراردادی، (تهران: برهمند، ۱۳۷۸).

۳۵. نک: حمیدرضا نیکبخت، «تعارض قوانین در قراردادهای و قانون حاکم بر تعهدات قراردادی و اصل حاکمیت اراده»، مجله حقوقی، ش ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۴، صص ۵۱-۷.

منافع کشورهای در حال توسعه در این مورد که با منافع حیاتی و اساسی آنها مرتبط است، باز می‌گردد.^{۳۷}

۱-۴- اعماق دریاها و منابع موجود در آن (میراث مشترک بشریت)

در حقوق بین‌الملل سنتی، منابع دریایی زیاد حائز اهمیت نبود و صرفاً دریا از لحاظ جغرافیایی برای کشور ساحلی اهمیت داشت و دولتی که در جوار مرز آبی قرار داشت فقط می‌بایست نیروی رزمی دریایی خود را تقویت می‌کرد تا مبدا کشوری، استقلالش را به خطر اندازد و از نظر اقتصادی هیچ‌گاه دریا را حافظ منافع خود نمی‌دانست چرا که استفاده از منابع دریا که آن زمان فقط ماهیگیری بود به علت عدم پیشرفت فناوری فقط منحصر به آب‌های داخلی یا نهایتاً دریای سرزمینی بود. از سویی با پیشرفت فناوری در نیمه دوم قرن بیستم و رشد فزاینده جمعیت جهانی و فشار اقتصادی ناشی از کمبود منابع معدنی، بشر وادار شد تا به دنبال سایر منابع مواد خام باشد. بدین‌گونه با آگاهی بشر از منابع و ذخایر غنی غذایی، معدنی و نفتی موجود در اعماق دریاها به بهره‌برداری از این منابع سرشار پرداخت اما نیاز به توزیع عادلانه این معادن و منابع غنی و حداکثر استفاده از اصل آزادی دریاها جهت توسعه تجارت و کشتیرانی بین‌المللی موجب شد که در قرن بیستم رفته رفته، ضرورت تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل دریاها آشکار شود. کنفرانس ژنو سال ۱۹۵۸ اولین قانونگذاری مهم حقوق دریاها بود اما در رسیدن به توافق بر روی بعضی مسائل از جمله عرض دریای سرزمینی و حقوق ماهیگیری کشورهای ساحلی ناموفق بود. پیشرفت سریع فناوری باعث شد که بشر به طور جدی و فزاینده، اقیانوس‌ها و دریاها را در راه نیل به اهداف اقتصادی و نظامی مورد استفاده قرار دهد و بدین ترتیب مسائل پیچیده‌ای را مطرح سازد که رژیم حقوقی سال ۱۹۵۸ در حل آنان عاجز بود. در کنار عامل فناوری، استعمارزدایی موجب پیدایش کشورهای جدیدی شد که همگی فاقد امکانات فناورانه لازم برای بهره‌برداری از اعماق دریاها بودند.^{۳۸} از سوی دیگر، از آنجایی که از دیرباز اعماق دریاها خارج از محدوده صلاحیت ملی دولت‌ها و جزء دریای آزاد محسوب می‌شد و دولت ساحلی هیچ‌گونه تصرفی بر این منابع نداشت، لذا این فرصت برای

۳۷. در مباحث آتی، بدین موضوع خواهیم پرداخت.

۳۸. ملکم شاو، حقوق بین‌الملل؛ ترجمه محمد حسین وقار؛ (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، صص ۳۶-۳۵ و سید علی اصغر کاظمی، «مساله شمول کنوانسیون جدید حقوق دریاها به کشورهای ثالث غیر عضو»، مجله حقوقی، ش ۸، بهار و تابستان ۱۳۶۶، ص ۵۵.

کشورهای عمده صنعتی فراهم شد تا به طور یک‌طرفه این منابع را مورد بهره‌برداری قرار دهند و کشورهای در حال توسعه که فاقد فناوری و منابع لازم بودند از این منابع بی‌بهره بمانند. ایجاد کشورهای جدید خصوصاً دول بدون ساحل در پروسه استعمارزدایی دهه ۶۰ و تقاضای کشورهای جهان سوم بر اصلاح حقوق سنتی دریاها و ایجاد نظم نوین اقتصاد بین‌المللی که در قطعنامه ۳۲۰۱^{۳۹} و در پرتو اکثریت کشورهای جهان سوم تبلور یافت، موجب تغییر و تحولاتی در حقوق سنتی دریاها به نفع کشورهای در حال توسعه و یا جهان سوم شد. در ۱۷ اوت ۱۹۶۷، دولت مالت از مجمع عمومی سازمان ملل خواست که پیشنهاد راجع به اعلامیه و عهدنامه مربوط به نگهداری بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها انحصاراً برای مقاصد صلح‌آمیز و استفاده از منابعشان در جهت منافع بشر در دستور جلسه بیست و دومین اجلاس مجمع عمومی منظور شود. بعد از اینکه پیشنهاد مذکور در دستور جلسه مجمع منظور شد آقای آرویدپادو، رئیس هیأت نمایندگی کشور مالت در سازمان ملل طی نطق بسیار مفصلی که در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۷ ایراد نمود، اعلام داشت که رژیم بین‌المللی اعماق دریاها باید بر اصول «نوین» و «منصفانه» و «اخلاقی» استوار باشد و «میراث مشترک بشریت» اصلی است که چنین خصوصیتی را دارد.^{۴۰} بدین ترتیب اصول اساسی مورد اشاره وی به قرار ذیل تعیین شدند:

- ۱- ناحیه جغرافیایی مورد بحث نمی‌تواند موضوع تصاحب و در تعلق ملی دولت‌ها و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی قرار گیرد (اصل سرزمینی)؛
- ۲- استفاده از منابع ناحیه مورد نظر باید در جهت نفع همه بشریت صورت گیرد (اصل اقتصادی)؛
- ۳- نواحی جغرافیایی مورد بحث منحصراً برای اهداف صلح‌جویانه استفاده شود (اصل امنیتی)؛
- ۴- ضرورت‌های حمایت و حفاظت از محیط زیست ناحیه حفظ شود (اصل محیط زیستی)؛

39. UN Doc. GA/Res 3201 1 May 1974.

۴۰. باقر میرعباسی، جزوه پلی کیپی حقوق بین‌الملل دریاها، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران، سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، ص. ۵۹.

۵- تأسیس یک نهاد بین‌المللی برای اعمال قانونگذاری، اداره و کنترل صلاحیت‌ها و توزیع منصفانه منافع مالی و اقتصادی (اصل ساختاری).^{۴۱}

با تبلور و پیدایش این مفهوم در حقوق بین‌الملل دریاها و تلاش کشورهای در حال توسعه جهان سوم خصوصاً در چارچوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد،^{۴۲} ضرورت بازنگری کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ حقوق دریاها و تدوین کنوانسیونی که در برگیرنده رویکرد جدید جامعه بین‌المللی در زمینه حقوق دریاها باشد، فراهم شد. از این‌رو، کنفرانس‌ها و تلاش‌های متعددی در دهه ۷۰ بدین منظور صورت گرفت که در نهایت به تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ ژنو حقوق دریاها منجر شد که در نوع خود تحولی بس عظیم در یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق بین‌الملل یعنی حقوق دریاها است.^{۴۳} فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ به عنوان مهم‌ترین بخش آن کنوانسیون به این مسأله اختصاص یافت که البته نظام حقوقی پیچیده‌ای را مقرر می‌دارد. هر چند این سیستم حقوقی پیچیده به دلیل مخالفت دول پیشرفته صاحب فناوری برتر در این عرصه، قدرت لازم‌الاجرائی نیافت و این دول با امضای موافقتنامه‌های بین خود، سیستم معامله متقابل را به وجود آوردند،^{۴۴} اما کشورهای عضو سیستم مزبور نیز اصل «میراث مشترک بشریت» را پذیرفته بودند گرچه روش دستیابی به آن را بعداً و با قبول موافقتنامه اجرایی منضم به قطعنامه ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^{۴۵} که تحولی در فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ و در راستای تعادل وزن منافع کشورهای پیشرفته و صاحب فناوری ایجاد نمود، پذیرفتند.^{۴۶} به هر حال پذیرش این اصل مترقی و به ویژه وصف آن به عنوان قاعده امره در حقوق بین‌الملل نوین می‌تواند به عنوان اهرمی در تأمین منافع جامعه بین‌المللی به ویژه کشورهای در حال توسعه و نیز در برقراری و پیشبرد نظام

۴۱. این اصول در مواد ۱۳۶ تا ۱۴۱ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲م) تبلور عینی یافت.

۴۲. رجوع شود به قطعنامه‌های: UN Doc. GA/Res 2749 17 Dec 1970 and GA/Res 3067 16 Nov 1973

۴۳. رضا موسی زاده، کلیات حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶)،

صص ۸-۶.

۴۴. بهمن آقایی، مجموعه مقالات حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴)،

صص ۴-۹۳.

45. UN Doc. GA/Res 48/263 28 July 1994

۴۶. در مبحث آتی مربوط به سیستم بهره برداری از منابع بستر بین‌المللی دریاها بدان اشاره ای خواهد شد.

نوبین اقتصادی بین‌المللی نقش مهمی ایفا نماید.^{۴۷} هر چند که به لحاظ عملی و به دلیل فقد فناوری لازم در کشورهای در حال توسعه جهان سوم از یک‌سو و حقوق دارندگان آن (کشورهای توسعه‌یافته) و تکالیف و الزامات حقوقی و عرفی در قبال دریافت‌کنندگان آن (کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته) از سوی دیگر، منتفع اصلی و مستقیم بهره‌برداری و استفاده از اعماق دریاها و منابع موجود در آن چه در محدوده صلاحیت ملی یا خارج از آن کشورهای توسعه‌یافته هستند. همان‌گونه که بهره‌برداری و استفاده از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام سماوی و یا قطب جنوبگان، به عنوان نمادهای دیگر از میراث مشترک بشریت وضعیت بر همین منوال است.^{۴۸}

۲- توسعه و انتقال فناوری دریایی در عمل

۲-۱- سیستم بهره‌برداری از اعماق دریاها و منابع موجود در آن

تا چند دهه گذشته، به دلیل فقدان فناوری لازم در بهره‌برداری از منابع غنی و سرشار اعماق دریاها و تأمین نیازهای بشری از طریق مناطق خارج از دریاها، اهمیت این منابع ناشناخته بود؛ اما از یک قرن پیش، هنگامی که کشتی اکتشافی چلنجر موفق به کشف کلوخه‌هایی به اندازه سیب‌زمینی در سطح بزرگی از بستر دریاها و در اعماق ۳۵۰۰ متری دریا شد، اهمیت این معادن سرشار و غنی و نقشی که در توسعه و تحول کشورها می‌توانست ایفا نماید، آشکار شد.^{۴۹} و این‌گونه بود که با رشد و پیشرفت فناوری از یک‌سو و انحصار این فناوری در دست عده محدودی از کشورها از سوی دیگر، عملاً شکاف عمیقی بین کشورهای دارنده این فناوری و اکثریت کشورهای جهان به وجود آمد و این کشورها بدین‌گونه به تدوین چارچوبی حقوقی جهت متعهد کردن کشورهای بهره‌مند از این فناوری و ایفای حقوق خویش برآمدند و

۴۷. محمد شریف، «میراث مشترک بشریت و وصف آن به عنوان قاعده آمره»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱، زمستان ۱۳۷۸، صص ۱۸۱-۱۷۵.

۴۸. در معاهدات ۱۹۷۶ م درخصوص بهره‌برداری و استفاده از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام سماوی و ۱۹۵۹ م در خصوص جنوبگان، میراث مشترک بشریت با عناوین اصل میراث مشترک (معاهده ۱۹۵۹ م) و منفعت مشترک بشریت (معاهده ۱۹۷۶ م)، مورد شناسایی و قبول عامه قرار گرفت. نک:

Encyclopedia of Public International Law, Vol I, (North - Holland, 2002), p. 693 & Ibid, Vol III, (North-Holland -1997), p. 331.

۴۹. رابین چرچیل و آلن لو، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی (تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ج. ۱. ۱، ۱۳۷۷)، صص ۷۴-۲۷۳.

این‌گونه بود که در نظام نوین اقتصادی بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۸۲ با رویکرد ویژه بر میراث مشترک بشریت (فصل یازدهم) و توسعه و انتقال فناوری دریایی (فصل چهاردهم) تدوین شد. کنوانسیون ۱۹۸۲، سازوکار ویژه‌ای برای بهره‌برداری از منابع موجود در بستر بین‌المللی دریاها تعیین می‌نماید؛ بدین‌گونه که از زمان امضای کنوانسیون ۱۹۸۲ تا لازم‌الاجرا شدن آن (۱۹۹۴) که دوره انتقالی نام دارد کمیسیون مقدماتی بر اساس قطعنامه منضم به کنوانسیون ۱۹۸۲، تشکیل شد که علاوه بر وظایف کلی مربوط به دوره قبل از ورود کنوانسیون به مرحله لازم‌الاجرای، اختیار خاص راجع به حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های مقدماتی قبل از کنوانسیون ۱۹۸۲ را علاوه بر تأسیس یک سازمان بین‌المللی جدید برای بهره‌برداری از اعماق دریاها و همزمان با مناطق دیگری که تعیین و واگذار می‌شوند، بر عهده داشت. تصمیمات کمیسیون مقدماتی نه تنها در دوره انتقالی بلکه پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲، قابل اجرا و دارای ارزش حقوقی است و اثر غیر قابل انکاری برای اجرای رژیم حاکم بر منطقه^{۵۰} داشت.^{۵۱}

کمیسیون مقدماتی در خلال دوازده سال از زمان امضای کنوانسیون تا لازم‌الاجرا شدن آن در سال ۱۹۹۴، هر سال، جلساتی را به منظور بررسی موضوعات و امور محوله تشکیل داد که از جمله آنها ثبت سرمایه‌گذاران پیشگام، فراهم آوردن تشکیل مقام بین‌المللی بستر دریاها، فراهم آوردن تشکیل دادگاه بین‌المللی دریاها و انجام مطالعات در باب مسائل اقتصادی ناشی از معدنکاری بود.^{۵۲} با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲ در سال ۱۹۹۴ و تثبیت اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته در خلال این مدت، سیستم بهره‌برداری از اعماق دریاها و منابع موجود در آن وارد مرحله جدیدی شد. طبق ماده ۱۳۹ کنوانسیون ۱۹۸۲، فعالیت و بهره‌برداری در منطقه توسط دولت‌ها و مؤسسات دولتی یا اشخاص حقیقی و حقوقی تابع آنها و سازمان‌های بین‌المللی، کارگزار بین‌المللی و مشارکت‌های جمعی است. بنابراین، سیستم بهره‌برداری از منطقه به قرار ذیل است:

۵۰. منظور از منطقه، بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها خارج از صلاحیت ملی دولت‌هاست.

۵۱. جمشید ممتاز، «نظام حقوقی سرمایه‌گذاران پیشگام در منطقه بین‌المللی بستر دریاها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۶، آذر ۱۳۷۰، ص ۱۰۰.

۵۲. سید علی اصغر کاظمی، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی، ۱۳۷۰)، صص ۸۵-۱۸۴.

مقام بین‌المللی دریاها: نظارت بر کلیه فعالیت‌های مرتبط با اکتشاف و بهره‌برداری از منابع معدنی منطقه به نهادی به نام مقام بین‌المللی واگذار شده است که در حقیقت به نمایندگی از طرف جامعه بین‌المللی عمل می‌نماید. اموری چون تعبیه لوله و کابل و تحقیقات علمی دریایی بدون اجازه مقام مزبور قابل اجرا است. مقام دارای سه رکن اصلی مجمع عمومی، شورا و دبیرخانه و دو رکن تخصصی شامل کمیسیون برنامه‌ریزی اقتصادی و کمیسیون امور حقوقی و فنی است. تصویب قواعد حاکم بر اکتشاف و بهره‌برداری منطقه، بررسی و تصویب قواعد و مقررات مربوط به تسهیم عادلانه منافع مالی و اقتصادی، تأسیس سیستم جبران خسارت دول در حال توسعه که تولیدکننده مواد معدنی در قلمرو زمینی خود هستند و اقتصاد آنها در اثر استخراج مواد معدنی بستر دریاها صدمه دیده و ... از جمله وظایف و فعالیت‌های مقام است که توسط شورای اجرایی مقام متشکل از ۳۶ عضو، عملی می‌شوند.^{۵۳}

کارگزار بین‌المللی: کارگزار رکنی جدا از مقام بین‌المللی بستر دریاهاست و همزمان با تأسیس مقام بین‌المللی شروع به کار کرده و نقش بازوی اجرایی مقام را ایفاء می‌کند و مانند عاملان تجاری فعالیت می‌نماید. یکی از دلایل اصلی چنین رکنی فراهم نمودن زمینه انتقال فناوری مورد نیاز مقام بین‌المللی و کشورهای جهان سوم بود. کنوانسیون ۱۹۸۲، وظایف متعددی از قبیل کاوش در منطقه بین‌المللی بستر دریاها و انجام امور مقدماتی معدنکاری در منطقه و انتقال و تبدیل و تغییر شکل منابع معدنی و بازاریابی مواد معدنی مستخرج را به کارگزار واگذار نموده است و کارگزار این وظایف را به طور مستقل و یا به صورت مشارکت با دیگر سرمایه‌گذاران انجام می‌دهد. اقدام کارگزار برای معدنکاری منوط به اجازه مقام بین‌المللی بستر دریاها است. علاوه بر این، کارگزار دانش فنی ضروری او برای معدنکاری را از عاملان تجاری دریافت و یا دست به مشارکت به صورت سرمایه‌گذاری مشترک می‌زند. کارگزار، گزارش اقدامات و فعالیت‌های خویش را به مقام ارائه می‌دهد در عین حالی که خودمختار است و حالتی شبیه عاملان تجاری دارد.^{۵۴} از آنجا که سیستم امتیاز به نفع کارگزار

۵۳. مواد ۱۵۶ تا ۱۶۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ م حقوقی دریاها و بند ۴ ماده ۱ موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ م؛ همچنین نک: رضا موسی زاده، بایسته‌های حقوقی بین‌المللی عمومی، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰)، صص ۳۲۱-۳۱۹.

۵۴. ماده ۱۷۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ م حقوق دریاها و ماده ۲ موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ م؛ همچنین نک: منصور پور نوری و محمد حبیبی، حقوق بین‌الملل دریاها: کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ م، (تهران: مهر حقوق، ۱۳۸۳)، صص ۱۴۰-۱۳۹ و رابین چرچیل و آلن لو، همان، صص ۶۳۱-۶۳۰.

یعنی شرکت‌های خصوصی اختیار کمی داشتند به گونه‌ای که به شکل مشارکت‌های جمعی یا دیگر مشارکت‌های مشابه با بازوی اجرایی مقام یعنی کارگزار باید عمل می‌نمودند و لذا در این شکل از فعالیت هیچ‌گونه رقابتی وجود نداشته و نوعی حق انحصاری برای کارگزار در نظر گرفته شده بود) مورد انتقاد دول صنعتی قرار گرفت و لذا مطابق موافقتنامه اجرایی منضم به قطعنامه ۴۴/۲۶۳ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴ در خصوص اجرایی نمودن کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها،^{۵۵} تعهدات قابل اعمال بر طرفین قرارداد (معدنکاران خصوصی) باید شامل حال کارگزار نیز بشود و بنابراین معدنکاری به صورت سرمایه‌گذاری مشترک اما بر اساس اصول اقتصادی بازار آزاد شد و امتیازی برای کارگزار در نظر گرفته نشد. متقاضیان امر معدنکاری در منطقه بین‌المللی بستر دریاها و پیمانکاران وفق شرایطی که کنوانسیون ۱۹۸۲ و موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ مشخص نموده با کارگزار بین‌المللی به همکاری و مشارکت می‌پردازند که از جمله آنها موضوع انتقال دانش فنی و فناوری لازم است.^{۵۶}

سرمایه‌گذاران پیشگام: ضمیمه دوم کنوانسیون ۱۹۸۲ که در خصوص سرمایه‌گذاران پیشگام است سه گروه از آنها را مورد شناسایی قرار می‌دهد:

الف) فرانسه، هند، ژاپن و اتحاد جماهیر شوروی به شرط آنکه هر یک از این کشورها و یا اشخاص حقیقی و حقوقی متعلق بدانها تا قبل از ژانویه ۱۹۸۳، ۳۰ میلیون دلار آمریکا که ۱۰ درصد آن صرف بر آورد و ارزیابی منطقه شده باشد، هزینه نموده باشند.

ب) چهار کنسرسیوم که عوامل تشکیل‌دهنده آن دارای تابعیت‌های بلژیکی، کانادایی، امریکایی، ایتالیایی، هلندی، ژاپنی، آلمانی، انگلیسی و ایرلند شمالی بوده و تحت نظارت مؤثر این دول یا اتباعشان هستند به شرط آنکه مبلغ مذکور در گروه یک را هزینه کرده باشند.^{۵۷}

۵۵. بر اساس ماده ۲ موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴م، مقررات این موافقتنامه و فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲م حقوق دریاها به عنوان سندی واحد، تفسیر و اجرا خواهد شد لذا بحث ناسخ و منسوخ مطرح نیست بلکه موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴م، تکمیل‌کننده فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲م حقوق دریاها می‌باشد و در حالت تعارض، مقررات موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴م ارجحیت دارد. نک: آنیک دومرفی - مانتانو، «چارچوب اجرایی موافقتنامه مربوط به اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲م سازمان ملل درباره حقوق دریاها»، ترجمه سیدفضل‌اله موسوی، مجله حقوقی، ش ۲۵، ص ۱۳۷۹-۲۶-۲۲۵.

۵۶. ماده ۵ موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴م، با حذف اجبار انتقال فناوری، این موضوع را تابع اوضاع و احوال منصفانه و معقول با رعایت حقوق مالکیت معنوی و بصورت تجاری و از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک یا بازار آزاد می‌داند، همچنین نک: بهمن آقایی، همان، ص ۵۲.

۵۷. بهمن آقایی، همان، ص ۱۰۴.

ج) هر کشور در حال توسعه، هر یک از مؤسسات دولتی آنها یا هر شخص حقیقی یا حقوقی که تحت نظارت مؤثر این کشورها و یا اتباعشان قرار داشته باشد به شرط آنکه مبلغ هزینه گروه اول و دوم را تا زمان لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲ انجام دهند. سرمایه‌گذاران پیشگام تا زمان لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲ از حق انحصاری کاوش در منطقه‌ای که به نامشان ثبت شده برخوردارند و پس از آن نیز در زمان صدور مجوز تولید و بهره‌برداری از منابع این منطقه بر سایر متقاضیان الویت دارند،^{۵۸} اما در مقابل تعهداتی چون آموزش نیروی انسانی کارگزار جهت برنامه‌ریزی و تعیین مراحل مختلف بهره‌برداری و انتخاب فناوری مورد استفاده عملیات بهره‌برداری، پرداخت ۲۵۰ هزار دلار به عنوان حق ثبت برنامه کارشان و یک میلیون دلار به عنوان مالیات در هر سال به منظور تأمین منابع مالی کارگزار و ترغیب آنها به ارائه هر چه سریع‌تر برنامه کار و شروع عملیات بهره‌برداری بود^{۵۹} که البته این مبلغ یک میلیون دلار به دلیل مخالفت صریح آنها، وفق موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ حذف شد.

د) هر متقاضی بهره‌برداری غیر از سرمایه‌گذاران پیشگام باید در ابتدا برنامه کاری خود را به مقام بین‌المللی ارائه دهد که در صورت تصویب، در حکم قرارداد بین متقاضی و مقام بین‌المللی تلقی خواهد شد. پس از آن برای شروع عملیات بهره‌برداری لازم است که شورای مقام بین‌المللی مجوز دیگری صادر کند که به موجب آن حجم تولید هر یک از عوامل بهره‌برداری با توجه به سیستم سهمیه‌بندی مندرج در کنوانسیون تعیین می‌شود که هدف از آن جلوگیری از کاهش نرخ فلزات موجود در کلوخه‌های منگز و تضمین درآمدهای ارزی کشورهای در حال توسعه صادرکننده این فلزات است.^{۶۰} موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ به اصل عدم تبعیض بین سرمایه‌گذاران پیشگام و سایر متقاضیان اشاره می‌دارد. علی‌هذا، متقاضیان بهره‌برداری از منطقه باید استانداردهای تعیین‌شده توسط مقام بین‌المللی را رعایت نمایند. این استانداردها به توانایی مالی و فنی متقاضی و نحوه کار آنها بر مبنای قراردادهای قبلی با مقام بین‌المللی مربوط بوده و از سویی متعهد به رعایت کنوانسیون ۱۹۸۲ و قواعد ناشی از آن و

۵۸. رضا موسی زاده، کلیات حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶)، دو جلد، ج دوم، ص ۱۰۸.

۵۹. جمشید ممتاز، همان، صص ۱۱۶-۱۱۰.

۶۰. مفاد بند ۴ ماده ۱۵۱ کنوانسیون ۱۹۸۲م حقوق دریاها؛ همچنین نک: منصور پور نوری و محمد حبیبی،

همان، صص ۱۱۶-۱۱۲.

موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ هستند، همچنین متقاضیان باید کنترل مقام بین‌المللی را بر منطقه بپذیرند و اطمینان کتبی بدهند که در اجرای تعهدات قراردادی با حسن نیت عمل می‌نمایند.^{۶۱} برای کاوش و بهره‌برداری، ابتدا متقاضیان باید برنامه کاری خود را ارائه نمایند. در این طرح‌های کاری باید دو حوزه که دارای ارزش تجاری بر آورده شده، مساوی باشند و هر کدام به قدر کافی برای عملیات معدنکاری کفایت کنند، تعیین شوند و اطلاعات مربوط به هر دو حوزه و منابع آن باید در اختیار مقام قرار گیرد. مقام بین‌المللی دارای اختیار تصویب طرح کار درباره یکی از دو حوزه است و پس از تصویب اقدام به عقد قرارداد با متقاضی بر اساس طرح می‌کند. در این صورت حوزه دوم به صورت ذخیره تعیین می‌شود که فقط با اجازه مقام بین‌المللی از طریق کارگزار و یا مشارکت با دول در حال توسعه قابل بهره‌برداری است. بدین ترتیب، طرح کار این حوزه را یا کارگزار می‌دهد و یا کشورهای در حال توسعه (یا اتباع و شرکت‌های تابع آنها)، ولی هر متقاضی واجد شرایطی می‌تواند برای حوزه‌های غیر ذخیره طرح کار جدید ارائه کند^{۶۲} (مواد ۸ و ۹ ضمیمه سوم کنوانسیون ۱۹۸۲).

اگر چه کنوانسیون ۱۹۸۲، زمانی را برای بهره‌برداری از حوزه ذخیره معین نکرده بود اما موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ برای حوزه ذخیره مدت معین کرده و دلیل آن نیز این بود که هر چه بیشتر بتوان از منابع موجود استفاده نموده و روند توسعه اقتصاد آزاد را هر چه بیشتر تسریع کرد. از این رو در بخش دوم موافقتنامه اجرایی بیان گردیده، چنانچه کارگزار بین‌المللی ظرف مدت ۱۵ سال از تاریخی که آن نواحی برای مقام بین‌المللی ذخیره شده است اقدامی نکنند، مقاطعه‌کاری که مشارکت دارد، حق دارد برنامه کاری برای ناحیه ذخیره‌شده به کارگزار بدهد تا با کارگزار قراردادی به صورت مشارکت منعقد کند.^{۶۳} نکته دیگر آن است که موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴، بهره‌برداری از منطقه ذخیره را که طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ تنها به وسیله کارگزار به صورت مستقل و یا با مشارکت کشورهای جهان سوم مقدور بود به مشارکت با کشورهای پیشرفته نیز تسری داده است (بند ۵ ماده ۲ موافقتنامه اشاره به پیمانکار دارد که مقصود همان کشورهای پیشرفته هستند). در نهایت کنوانسیون ۱۹۸۲، به منظور حفاظت از منابع و تولیدکنندگان از خشکی و تأمین میزان افزوده‌شده تقاضا در جهان، تعیین سقف تولید

۶۱ مفاد مواد ۱۳۹-۱۴۰-۱۵۳ و ۱۶۰ کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲م.

۶۲ رابین چرچیل و آلن لو، همان، صص ۴-۳۹۲.

۶۳ مفاد بند ۵ ماده ۲ موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴م.

از منابع بستر بین‌المللی دریاها را در اختیار مقام بین‌المللی قرار داده است،^{۶۴} اما موافقتنامه اجرایی در بند ۱ ماده ۶ خود اشاره به این موضوع می‌کند که طرح کار تصویب شده در مقام جهت بهره‌برداری از هر منطقه معدنکاری باید دارای یک جدول زمانبندی شده تخمینی برای تولید باشد که شامل حداکثر میزان تخمینی مواد معدنی که در سال طبق این طرح تولید می‌شود، گردد و از دیگر سو، روح حاکم بر این ماده، اصول مناسب تجاری و مقررات قرارداد عمومی تعرفه و تجارت است. به عبارتی، موافقتنامه اجرایی سال ۱۹۹۴ بحث تولید از منابع منطقه را دگرگون نمود و بیان نمود که تولید باید بر اساس وضعیت نیروهای بازار صورت گیرد و مقررات گات و موافقتنامه‌های جایگزین مورد توجه قرار گرفته و هیچ‌گونه اعانه و کمکی و یا اعطای یارانه (سوبسید) در زمینه فعالیت در دریا صورت نخواهد گرفت مگر اینکه در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و موافقتنامه‌های جانبی، چنین کمک‌هایی مجاز دانسته شود و اعطای یارانه به فعالیت معدنکاری در بستر دریاها غیر قانونی است و نباید تبعیضی بین موادی که از دریا به دست می‌آید با موادی که از دیگر منابع به دست می‌آید، وجود داشته باشد و موافقتنامه هر گونه امتیازی را از قبیل اعمال تعرفه یا موانع غیر تعرفه‌ای منع می‌کند ولی موافقتنامه از کشورهایی که از استخراج مواد معدنی از بستر دریاها متضرر می‌شوند غافل نبوده و نظامی از کمک‌های اقتصادی را که بودجه آن از محل عواید معدنکاری اعماق دریاها تأمین می‌شود را برقرار می‌نماید و مقام بین‌المللی، مبلغ کمک اقتصادی را از طریق همکاری با مؤسسات ملی و بین‌المللی مشخص خواهد نمود.^{۶۵}

۲-۲- رویه مورد عمل در توسعه و انتقال فناوری دریایی بر اساس فصل چهاردهم

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴

مسئله انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه در مارس ۱۹۷۲ توسط کانادا به کمیته زیر بستر دریا ارائه شد. نکته بسیار مهم در این ارتباط، تمایز بین شروط اعلامی سیاسی فصل چهاردهم کنوانسیون که بر نیاز به همکاری بین‌المللی در زمینه توسعه و انتقال فناوری دریایی تأکید می‌ورزد با مقررات الزام‌آور حقوقی و تکنیکی فصل یازدهم کنوانسیون و ضمیمه سوم آن است. قبل از کنوانسیون ۱۹۸۲، موضوع انتقال فناوری در قطعنامه‌های مهم مجمع

۶۴ مفاد بندهای ۷ و ۲ ماده ۱۵۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ م حقوق دریاها و ماده یک موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ م.

۶۵ مفاد ماده ۱۵۱ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ م و ماده ۷ موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ م؛ همچنین نک: بهمین

آقایی، همان، ص ۵۳ و رایین چرچیل و آلن لو، همان، صص ۳۰-۳۹.

عمومی سازمان ملل یعنی قطعنامه‌های منشور نظام نوین اقتصادی بین‌المللی و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، مورد تأکید قرار گرفته بود. در این قطعنامه‌ها بر تنظیم یک رویه و قانون بین‌المللی در این خصوص، اهمیت بر توسعه و کمک‌های کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه، اصلاح و سازگاری رویه تجاری حاکم بر انتقال فناوری با نیازهای کشورهای در حال توسعه و جلوگیری از سوء استفاده از حقوق فروشندگان و توسعه همکاری‌های بین‌المللی تأکید شده بود.^{۶۶} رهیافت کنفرانس سوم حقوق دریاها در زمینه توسعه و انتقال فناوری دریایی بر گرفته از رهیافت کلی سازمان ملل متحد در این زمینه بود. از سویی دیگر هر چند ارتباط گسترده‌ای بین توسعه و انتقال فناوری و تحقیقات علمی دریایی وجود داشت اما موضوع انتقال فناوری به مقررات تحقیقات علمی مندرج در فصل سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ محدود نشد و لذا مستقلاً پیگیری و مطالبه شد. بدین‌گونه فصل چهاردهم کنوانسیون، توسط کشورهای در حال توسعه تنظیم شد هر چند با اکراه دول صنعتی مواجه گردیدند. حل‌وفصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای فصل چهاردهم کنوانسیون به دلیل همین اکراه و مخالفت دول صنعتی علی‌رغم پیشنهاد صلاحیت حقوق و دادگاه‌های دولت دریافت‌کننده، فصل پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ یعنی مواد ۲۷۹ تا ۲۹۹ تعیین شد و مهم‌تر آنکه تمایز آشکاری بین مقررات فصل یازدهم کنوانسیون با مقررات مباحثه‌ای و جدلی فصل چهاردهم کنوانسیون ایجاد شد.^{۶۷} بر اساس اولین ماده فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲، دولت‌ها مستقیماً یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی در زمینه ترویج، توسعه و انتقال علوم و دانش فنی دریایی بر اساس شرایط مناسب و معقول همکاری می‌کنند ضمن آنکه توجه خاصی به کشورهای بدون ساحل و یا در شرایط جغرافیایی نامساعد از این منظر شد. پیشنهاد نهایی که در کمیته سوم کنفرانس حقوق دریاها که به موضوعات تحقیقات دریایی و انتقال فناوری رسیدگی می‌نمود، انتقال فناوری را بر اساس شروط و قیمت‌هایی منطقی و منصفانه مورد تأکید قرار داد و بر تسریع توسعه اقتصادی و اجتماعی دول در حال توسعه تأکید نمود؛ اما این ماده بر موضوعاتی بیشتر از قواعد حقوقی تأکید می‌ورزد و همان‌گونه که در مقدمه کنوانسیون آمده، خواهان نظم اقتصادی بین‌المللی عادلانه و معقولی است که منافع و نیازهای دول در حال توسعه چه دول ساحلی و چه دول بدون ساحل در نظر گرفته شود. بند

66. See UN Doc. GA /Res 3201 (1 May 1974) para IV & GA /Res 3281 (12 Dec 1974), art 13.

67. Center for oceans law and policy, United Nations convention on the law of the sea 1982: A commentary, (University of Virginia: Martinus Nijhoff publishers, 1995), pp. 665-670.

۶۸ ماده ۲۶۶ کنوانسیون.

۱ ماده ۲۶۶ به همکاری دول به طور مستقیم و یا در قالب سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار در زمینه توسعه و انتقال فناوری تأکید می‌ورزد و بند دوم آن بر کمک‌های تکنیکی به دولی که آن را نیاز دارند یا در خواست می‌کنند مخصوصاً دول در حال توسعه تأکید می‌ورزد که هر دو جنبه از این انتقال فناوری، موضوعات متفاوتی از اقدامات بین‌المللی را شامل می‌شود. عبارت سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار به منظور تعمیم به تمام سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای یا سازمان‌هایی که قلمرو فعالیت‌هایشان، شامل بند ۱ ماده ۲۶۶ کنوانسیون می‌شود، درج شد. از زمان تصویب فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲، سازمان‌های بین‌المللی متفاوتی متعهد به اجرای این فصل از کنوانسیون شدند.^{۶۹} دبیر کل سازمان ملل نیز هر ساله گزارشی در این خصوص به مجمع عمومی ارائه می‌دهد.^{۷۰} اصطلاح تحقیقات دریایی که در بخش سیزدهم کنوانسیون بدون تعریف باقی ماند در فصل چهاردهم آن، همه انواع تحقیقات علمی دریایی که در بخش سیزدهم بدان اشاره شده را پوشش می‌دهد. این تحقیقات شامل همه اطلاعات و سخت‌افزارهای مورد نیاز برای استفاده از فضای دریاها و جست‌وجو و توسعه منابع دریایی در قالب‌های اطلاعات تکنیکی، طراحی، مهندسی، سخت‌افزار، مدیریت، فنون و رموز بهره‌برداری و ... است. به هر حال اهمیت این ماده، تدوین شروط اعلامی مندرج در بند یک آن یعنی همکاری بر اساس توانایی و ظرفیت کشورها و منطبق با شروط و مقررات منطقی و منصفانه بود هر چند که بر اساس ماده ۳۰۲ کنوانسیون، هر دولتی می‌تواند از ارائه اطلاعاتی که افشای آن بر ضد منافع اساسی امنیت آن است، خودداری نماید و این امر عملاً می‌تواند فلسفه وجودی فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ را از حیز انتفاع ساقط نماید.^{۷۱} از سویی دیگر، بر اساس موافقتنامه اجرای ۱۹۹۴،^{۷۲} علاوه بر حذف اجبار به انتقال فناوری، این امر بر

۶۹. برای نمونه، سازمان جهانی خواروبار کشاورزی (فائو)، فعالیت‌های چشمگیری در زمینه تسهیل انتقال دانش فنی ماهیگیری به بسیاری از کشورهای در حال توسعه انجام داده است. همچنین ایمو اقدام به تأمین کمک‌های فنی برای دول در حال توسعه در زمینه ایمنی دریا نوردی و جلوگیری از آلودگی و آموزش پرسنل دریایی کرده است، معهداً در برخی از موارد مثل استخراج نفت و گاز و ایجاد تاسیسات دور از ساحل، هنوز سازمان بین‌المللی خاصی برای ترویج و تسهیل انتقال دانش فنی وجود ندارد. درخصوص سایر معادن بستر و زیربستر بین‌المللی دریاها نیز (غیر از فعالیت‌ها و اقدامات مقام بین‌المللی) وضع به همین منوال است. نک: رابین چرچیل و آلن لو، همان، ص ۴۶۵.

70. See: A/39/647(1984, mimeo), para 74, A 40/923(1985, mimeo), paras 95-106 A 42/742 (1986, mimeo), paras. 85-91, A42/688(1987, mimeo), paras. 73-79 A43/718(1988, mimeo), paras. 112-124, A 44/650(1989, mimeo), paras 70-95..

71. Center for oceans law and policy, Op. cit, pp. 671-679.

72. UN Doc. GA/Res/44/263 28 July 1994 annex. art 5.

اساس شرایط مناسب تجاری از بازار آزاد و یا از طریق ترتیبات سرمایه‌گذاری مشترک صورت می‌پذیرد؛ بنابراین، خارج از تعهد و الزام رسمی و حقوقی، صرفاً همکاری و یا مشارکت داوطلبانه دولت‌ها در این خصوص حالت اجرایی یافته است. دولت‌ها در توسعه همکاری بر این اساس باید همه حقوق و منافع مشروع شامل حقوق و تکالیف دارندگان، ارائه‌دهندگان و دریافت‌کنندگان فناوری دریایی را رعایت نمایند (ماده ۲۶۷). این ماده انعکاسی از بند ۲ ماده ۱۳ منشور حقوق و تکلیف اقتصادی دولت‌ها (۱۹۷۴) است. تمرکز عمده این ماده بر خلاف ماده قبل (ماده ۲۶۶)، بر کشورهای صنعتی و ایجاد تعادل بین حقوق و منافع این کشورها با کشورهای دریافت‌کننده فناوری است و بر خلاف مواد دیگر فصل چهاردهم کنوانسیون، ماده ۲۶۷ نوعی لسان تعهدآمیز دارد اما هیچ‌گونه تلاشی که منظور از منافع مشروع و حقوق و تکالیف دول مرتبط را روشن و آشکار سازد، صورت نگرفت و لذا در هر مورد باید اوضاع و احوال مربوط مورد لحاظ و بررسی قرار گیرد^{۷۳} و هر اختلافی ناشی از اجرای ماده مزبور که در حقیقت به تمام فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ بر می‌گردد به موجب فصل پانزدهم کنوانسیون که شامل ماده ۲۹۵ (توسل و طی طرق جبران خسارت و مراجع صالح داخلی) نیز می‌شود، حل و فصل شود. از سویی دیگر، مفهوم کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته در رویه و عمل سازمان ملل متحد شناخته می‌شود و توافقات مربوط به انتقال فناوری با این کشورها، اساساً و لزوماً مشمول کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ حقوق معاهدات نمی‌شوند اما الزام و رعایت منافع مشروع و حقوق و تکالیف دارندگان، عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان فناوری دریایی، لازم و ضروری است. نکته مهم‌تر، دستیابی به فناوری مناسب دریایی از سوی چنین کشورهایی است، بدان جهت که در اغلب موارد، فناوری‌های خیلی پیچیده و پیشرفته یا تخصص‌های به روز و مدرن اساساً بهترین انتخاب برای نیازهای کشورهای در حال توسعه نیستند چرا که فناوری‌های ساده‌تر به دلیل ایجاد نوعی تعادل در بهره‌برداری و عملیات مورد انتظار از سوی این‌گونه کشورها و یا سطح مهارت‌ها و تخصص‌های نیروهای بومی و محلی، مناسب‌تر به نظر می‌رسند. در زمینه آموزش و تعلیم اتباع کشورهای در حال توسعه، سازمان بین‌المللی دریا نوردی (ایمو) با ایجاد دانشگاه دریانوردی جهانی در ژوئیه ۱۹۸۳ و مؤسسه حقوق دریایی بین‌المللی ایمو در سپتامبر ۱۹۸۹، قدم‌های مثبت و مؤثری را

۷۳. عمده این منافع مشروع ناشی از الزامات تجارت بازار آزاد و یا حقوق و تکالیف سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر و در نهایت حقوق مالکیت معنوی در این ارتباط می‌باشد که در ماده ۵ موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴م بدان اشاره گردیده

در این خصوص برداشته است.^{۷۴} دولت‌ها، مستقیماً یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار، تلاش مؤثر خویش را جهت طراحی برنامه‌های همکاری فنی برای انتقال انواع فناوری دریایی به دول نیازمند و درخواست‌کننده این کمک‌ها به ویژه دول در حال توسعه بدون ساحل و یا از لحاظ جغرافیایی نامساعد و محروم و دیگر دول در حال توسعه‌ای که توانایی ایجاد فناوری در علوم دریایی و در اکتشاف و بهره‌برداری منابع دریایی و یا توسعه زیرساخت‌های چنین فناوری‌هایی را دارا نیستند، به کار خواهند بست. این شکل از همکاری در انتقال فناوری دریایی مندرج در ماده ۲۶۹ کنوانسیون ۱۹۸۲، حاکی از لزوم طی گام‌های لازم و ضروری برای ایجاد یک سیستم مؤثر انتقال فناوری دریایی علی‌رغم تمایل کلی مجمع عمومی ملل متحد و دیگر مجموعه‌های مرتبط با مسأله انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه که در حال حاضر بیشتر جنبه همکاری بین‌المللی دارد تا یک تعهد رسمی و الزام حقوقی، است. انواع اشکال همکاری در زمینه انتقال فناوری که در این ماده آمده،^{۷۵} بیانی از اصول کلی مندرج در منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها (۱۹۷۴) بدون لطمه و زیان به حقوق و تکالیف دارندگان مالکیت فکری، ثبت اختراع و نظایر آن است. همان‌گونه که بیان شد، نوعی ارتباط مفهومی بین تحقیقات دریایی و انتقال فناوری دریایی وجود دارد اما این امر را نمی‌توان محدودیت و مانعی برای انتقال فناوری دریایی به حساب آورد و بدین لحاظ این دو جنبه از موضوعات مرتبط با دریاها و اقیانوس‌ها، در دو فصل جداگانه کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ قرار گرفت؛ لزوم اهمیت تأمین وجوه و سرمایه‌گذاری بین‌المللی مشخص برای توسعه و تحقیقات اقیانوس‌شناسی در فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ بار دیگر مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است،^{۷۶} اما نشانه‌ها و علائمی از آن بیان نشده است هر چند که ضمیمه پنجم متن نهایی کنوانسیون ۱۹۸۲ برخی از این نشانه‌ها و علائم را می‌تواند شامل شود. همکاری دولت‌ها می‌تواند به منظور ایجاد راهکارها، استانداردها و معیارهای مورد پذیرش عمومی برای انتقال فناوری دریایی بر یک اساس دوجانبه یا در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی و سایر مراجع یا اشکال همکاری با توجه خاص به منافع و نیازهای کشورهای در

74. Center for oceans law and policy, Op. cit, pp. 680-688.

۷۵. از جمله این همکاری‌ها عبارتند از: کنفرانس‌ها، سمینارها و سمپوزیوم‌ها در موضوعات علمی و فناوری، تبادل دانشمندان و فناوری و سایر کارشناسان، انعقاد قرار دادها، توافق‌ها و سایر ترتیبات مشابه بر اساس شرایط متعارف و منصفانه ...

۷۶. ماده ۲۷۰ فصل چهاردهم کنوانسیون.

حال توسعه صورت پذیرد؛ هر چند که فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ از دولت‌ها ذکر نموده اما این امر مانع آزادی اتباع آنها (اشخاص حقیقی یا حقوقی) از اقدام در این‌گونه موارد نیست و ذکر پیمانکاران در موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ حاکی از آزادی اشخاص حقیقی و حقوقی دول توسعه‌یافته در انعقاد قرارداد، انتقال علوم و فنون دریایی و دیگر تعهدات و الزامات ناشی از کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ و دیگر توافقات و ترتیبات مشابه است. امروزه موضوع انتقال فناوری تقریباً مرتبط با همه سازمان‌های بین‌المللی است، لذا دولت‌ها باید تلاش نمایند تا اقداماتشان شامل برنامه‌های جهانی و منطقه‌ای به لحاظ منافع و نیازهای دول در حال توسعه خصوصاً دول بدون ساحل یا در شرایط جغرافیایی نامساعد و هماهنگ با سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار باشد. مواد ۲۷۳ تا ۲۷۵ تنها موادی هستند که در فصل چهاردهم کنوانسیون از مقام بین‌المللی که به موجب ماده ۱۵۶ کنوانسیون تأسیس شده، ذکر نموده‌اند و البته بیشترین مقررات مجادله‌آمیز بخش چهاردهم کنوانسیون در کمیته سوم کنفرانس سوم حقوق دریاها بودند. عملیات مقام بین‌المللی در ارتباط با انتقال فناوری به طور کلی در ماده ۱۴۴ کنوانسیون ذکر شده و ماده ۲۷۳ فصل چهاردهم کنوانسیون با ذکر مقام بین‌المللی در کنار سایر سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار، موقعیت ویژه و منحصر به فردی را در زمینه انتقال فناوری دریایی بدان اعطاء نموده است. مقررات خاصی در زمینه اکتشاف و جست‌وجو و بهره‌برداری از معادن منطقه به عنوان «قانون معدنکاری بستر دریاها» در حال تهیه است که یکی از مهم‌ترین موضوعات آن توسعه و انتقال فناوری دریایی است که به دو شکل ظاهر می‌شود: انتقال فناوری به مقام بین‌المللی و انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه توسط مقام بین‌المللی. ماده ۲۷۴ فصل چهاردهم در لسان یک برنامه عملیاتی، اشاره به برخی تعهدات و وظایف مقام بین‌المللی در ارتباط با انتقال فناوری دریایی به واسطه فعالیت‌هایش در منطقه و با اولویت قرار دادن نیازهای دول در حال توسعه در این‌خصوص می‌نماید اما اینکه مقام بین‌المللی و ارگان‌هایش چگونه آن برنامه‌ها را اجرا خواهند نمود، اشاره‌هایی ندارد. نکته قابل توجه در این ماده، تأکید دوباره بر رعایت کلیه منافع مشروع و حقوق و تکالیف دارندگان، عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان فناوری و تضمین حقوق دارندگان حق اختراع، کپی‌رایت و دیگر اشکال مالکیت فکری مندرج در ماده ۲۶۷ است. تضمین دستیابی به اهداف آموزشی برای اتباع دول در حال توسعه و تربیت آنها به عنوان متخصصان فنی، تحقیقاتی، مدیریتی، اداری و ... در دسترس قرار گرفتن اسناد و مدارک فنی مربوط به تجهیزات، ماشین‌آلات، وسایل و مراحل فنی مربوطه به ویژه توسط دول در حال

توسعه، وضع مقررات کافی و مناسب جهت تسهیل دستیابی به کمک فنی در زمینه فناوری دریایی و دستیابی اتباع آنها به مهارت‌ها و فنون لازم، کمک مالی مقرر در کنوانسیون به کشورهای در حال توسعه در دستیابی به تجهیزات، مراحل فنی، کارخانه‌ها و سایر دانش‌های فنی و ...^{۷۷}

مواد نهایی فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲، به ایجاد مراکز فناوری و علمی دریایی منطقه‌ای و علمی و وظایف آنها می‌پردازد. ایجاد مراکز ملی تحقیقات فناوری و علمی دریایی و تقویت مراکز ملی موجود به منظور تحرک و پیشبرد انجام تحقیقات علمی دریایی به وسیله کشورهای ساحلی در حال توسعه و افزایش توانایی اتباع آنها برای استفاده و حفظ «منابع دریایی خود» در جهت منافع اقتصادی‌شان به عمل می‌آید.^{۷۸} تصریح بر منابع دریایی خود مندرج در ماده ۲۷۵ اشاره‌ای است به منابع معدنی و طبیعی تحت حاکمیت دولت‌ها در آب‌های داخلی و دریای سرزمینی و منطقه مجاور و دیگر حقوق حاکمه آنها در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، اما ارجاع به مقام بین‌المللی در این ماده اشاره‌ای است به هر آنچه که به حقوق و صلاحیت‌های دول در منطقه بین‌المللی مربوط می‌شود. ایجاد مراکز تحقیقات فناوری و علمی دریایی منطقه‌ای به خصوص در کشورهای در حال توسعه به منظور تحرک و پیشبرد انجام تحقیقات علمی دریایی به وسیله کشورهای در حال توسعه و تحول انتقال فناوری دریایی و در نهایت دستیابی مؤثر به اهدافشان به عمل می‌آید. برنامه‌های آموزشی و تعلیم و تربیتی در تمام سطوح تحقیقات فناوری و علمی دریایی به خصوص زیست‌شناسی دریایی شامل اقیانوس‌شناسی، حفاری، حفاظت و مدیریت منابع زنده دریایی و ...، مطالعات مدیریتی، برنامه‌های مطالعاتی مرتبط به حمایت و حفاظت محیط زیست دریا و حفاظت، کاهش و کنترل آلودگی دریایی، سازماندهی کنفرانس‌ها، سمینارها و سمپوزیوم‌های منطقه‌ای، دستیابی و گردش داده‌ها و اطلاعات فناوری و علمی دریایی، گردآوری و تنظیم اطلاعات مربوط به بازاریابی فناوری و قراردادهای و سایر ترتیبات مربوط به حق ثبت اختراعات، همکاری فنی با سایر کشورهای منطقه و ...، از جمله وظایف مراکز منطقه‌ای است که در ماده ۲۷۷ بدان اشاره رفته است و البته همانند دیگر مواد فصل چهاردهم کنوانسیون، بیشتر ماهیتی اعلامی و همکاری دارد تا یک تعهد و الزام رسمی و حقوقی، اما یک قالب وسیعی برای اقدام به همکاری در این گونه زمینه‌ها ارائه می‌دهد که تا

77. Ibid, pp. 689-718.

۷۸. مرکز اقیانوس شناسی ملی ایران نمونه ایی از این مراکز تحقیقاتی میباشد.

قبل از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها هیچ‌گونه رویه یا سابقه‌ای که راهنمای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در عملیات مراکز منطقه‌ای در این‌گونه موارد باشد، وجود نداشت. آخرین ماده فصل چهاردهم کنوانسیون، با اشاره به تعهد «سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار» در اجرای مؤثر عملیات‌هایشان و مسؤولیت‌هایشان به موجب این فصل، به نوعی در صدد تحمیل تعهدات و تکالیف مندرج در کنوانسیون به ویژه فصول سیزدهم و چهاردهم آن است؛ موضوعی که به جرات می‌توان گفت باید در پروتوکل ماده ۳۵ کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ تفسیر و تعبیر شود یعنی پذیرش تعهدات باید با رضایت و به صورت مکتوب باشد و در خصوص سازمان‌های بین‌المللی این تعهدات باید به واسطه قواعد و مقررات آن سازمان مورد پذیرش قرار گیرند.^{۷۹} در رویه و عمل، کمیسیون اقیانوس‌شناسی بین‌الدولی یونسکو، کمک فراوانی به هماهنگی فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی بسیاری نسبت به تحقیقات علمی و فناوری دریایی می‌نماید. ماده یک اساسنامه کمیسیون مزبور، هدف کمیسیون را ارتقاء تحقیقات علمی به منظور فراگیری بیشتر درباره طبیعت و منابع اقیانوسی می‌شناسد و در بند ۳ آن، کمیسیون، راه‌های هماهنگی با همه سازمان‌های بین‌المللی مرتبط را جست‌وجو می‌نماید. ماده ۲ اساسنامه کمیسیون با بیان اینکه فعالیت‌ها و اقدامات کمیسیون باید متضمن ارتقاء و هماهنگی توسعه و انتقال فناوری و تحقیقات دریایی خصوصاً به کشورهای در حال توسعه، ارائه توصیه‌هایی در جهت تقویت تعلیم و آموزش برنامه‌های تحقیقاتی و فناوری دریایی، توسعه و ارائه سفارش‌هایی برای برنامه‌های کمکی در تحقیقات و فناوری دریایی، برنامه‌ریزی و هماهنگی و ارزیابی سیستم‌های مناسب محیط زیست دریایی، آماده نمودن و انتشار اطلاعات و داده‌های فرآیند اقیانوس‌شناسی و ... شود بر نیازها و منافع دول در حال توسعه و ظرفیت‌های آنان در زمینه تحقیقات و فناوری دریایی تأکید می‌ورزد که این موضوعات همان مقرر ماده ۲۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است. این کمیسیون در مه ۱۹۹۷، پیش‌نویس اصول انتقال فناوری دریایی را تهیه نمود که در آن به قلمرو موضوعات و اقدامات مرتبط با انتقال فناوری دریایی، اصول قابل اعمال در این فرآیند، حمایت از منافع مشروع و حقوق دارندگان و دریافت‌کنندگان فناوری، پیشنهاد تهیه کاتالوگی متضمن موضوعات مختلف منابع و هزینه‌های داده‌ها و اطلاعات دریایی، عاملان بین‌المللی و ملی به همراه اطلاعات خاص مربوط بر آنها، دوره‌های آموزشی و سمینارها و دانشگاه‌های اعطاءکننده فرصت‌های مطالعاتی در زمینه علوم دریایی و برخی

اصول و اطلاعات دیگر است. این پیش‌نویس در مه ۲۰۰۳ با اندکی تغییر، اصلاح و مورد تجدید نظر قرار گرفت که ارائه فرم استاندارد خاص مربوط به تقاضای انتقال فناوری دریایی از آن جمله است.^{۸۰} این پیش‌نویس و نمونه فرم ارائه شده در آن به همراه دیگر مصوبات و اقدامات کمیسیون اقیانوس‌شناسی بین‌الدولی راهنمای عملی و مفیدی برای دارندگان، عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان فناوری دریایی است. در نهایت قوانین برخی از دول توسعه‌یافته نظیر ژاپن، فرانسه و شوروی سابق علاوه بر تضاد با منع بهره‌برداری انحصاری و یکجانبه از اعماق دریاها مبتنی بر رژیم کنوانسیون ۱۹۸۲ و موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ که ناشی از دوران ترتیبات متقابل بین آنها و احتمالاً تداوم این سیستم (به دلائل گوناگون از جمله عدم تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲) بین آنها است، در خصوص انتقال فناوری دریایی یا اصلاً ذکری به میان نیامده و یا اشاره مختصر و مبهمی نموده‌اند؛^{۸۱} عملکرد این دول نیز در بیش از یک‌دهه اخیر پس از تصویب موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴ در این مورد محتاج شفافیت و گذشت زمان بیشتر و ایجاد رویه‌ای ثابت دارد، خصوصاً آنکه این موضوع با حقوق و منافع حیاتی و استراتژیکی آنها پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد.

۲-۳- قراردادهای انتقال فناوری دریایی و شرایط آن

یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که در مورد انواع انتقال فناوری صورت گرفته است تقسیم آن به انتقال تجاری و انتقال غیرتجاری است؛ بدین شرح که در انتقال غیر تجاری فناوری، دارنده بدون اخذ عوضی متعارف، فناوری را تبرعاً به طرف خود واگذار می‌نماید. این امر غالباً در رابطه بین مراکز تحقیقاتی دانشگاهی و غیرانتفاعی با مراکزی که اهداف عمومی دارند، محقق است. مشخصه اساسی انتقال غیرتجاری فناوری، عدم انعقاد موافقتنامه و قراردادهای انتقال است. انواع انتشارات علمی و فنی سمینارها، نمایشگاه‌ها، استفاده از دانش همراه و متبلور در ماشین‌آلات خریداری شده (مشابه‌سازی) و غیره از این‌گونه‌اند؛ لکن در انتقال تجاری فناوری، مبنای انتقال، رابطه قراردادی بین طرفین است که این رابطه بر اساس سودجویی و منافع متقابل طرفین شکل می‌گیرد. در این نوع انتقال، قرارداد نقش اساسی داشته و انتقال قراردادی فناوری به مفهوم واقعی خود شکل می‌گیرد. انتقال غیرتجاری در عمل نادر بوده و از موضوع بحث مورد نظر خارج است. انعقاد قرارداد و آثار حقوقی آن به

80. available at: www.ioc3.unesco.org/abelos/index.php?option=com-content&task=view27&itemid=42.

۸۱. بهمن آقایی، همان، صص ۱۰۲-۹۴.

عنوان آخرین مرحله از فرآیند انتقال مادی فناوری، خود متضمن روند پیچیده‌ای است که در ارتباط تنگاتنگ با تمام مراحل دیگر است. روند پیچیده‌ای که نهایتاً منجر به دریافت فناوری در قالب یکی از انواع قراردادهای و یا یکی از آنها می‌شود شامل مراحل است که مقدمتاً از شناخت فناوری و همچنین واگذارکنندگان آن در سطح بین‌المللی آغاز شده و در پایان به نظارت بر حسن انجام مفاد قرارداد، خاتمه می‌یابد. در این بین، مراحل انتخاب، مذاکره و عقد و امضای قرارداد، هر کدام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند که عدم توجه به آنها می‌تواند عاملی در انحراف از اهداف دستیابی به فناوری مورد نظر باشد. در تمامی مراحل مزبور، افراد خبره و تشکیلات کارآمدی لازم است که بتوانند در رویارویی با طرف واگذارکننده از عهده تأمین و حفظ منافع طرف دریافت‌کننده فناوری برآیند.^{۸۲}

قراردادهای انتقال فناوری بر حسب نوع و ماهیت فناوری موضوع قرارداد و رابطه‌ای که بر اساس آن بین طرفین محقق می‌شود به اقسامی قابل تقسیم است که اجمالاً در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

قرارداد فروش فناوری: که به موجب آن انتقال‌دهنده فناوری با فروش و انتقال فناوری موضوع مالکیت، تمام حقوق مالکانه ناشی از آن را به انتقال‌گیرنده، انتقال داده و به طور کلی از خود سلب مالکیت می‌نماید. این نوع قرارداد در تجارت بین‌الملل رایج نبوده و به ندرت اتفاق می‌افتد زیرا فناوری به عنوان محور صنعت و تولید از ارزش تجاری و مالی فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و به سبب اهمیت فزاینده آن برای دارنده، وی حاضر نمی‌شود این منبع ارزش و ثروت را به هیچ عوضی واگذار نماید. البته بعضی از شرکت‌ها، فناوری از رده خارج شده خود را به موجب قرارداد فروش به کشورهای در حال توسعه واگذار می‌نمایند. این در حالی است که چنین فناوری‌ای با توجه به انقضاء و زوال دوران به روز بودن و تازگی آن، فاقد خصوصیت ماهوی فناوری بوده و لذا اطلاق نمودن عنوان انتقال فناوری بر آن صحیح نیست.^{۸۳}

۸۲. منوچهر آقایی، «قراردادهای انتقال فناوری»، مجله پژوهش در علم و صنعت، سال هشتم، ش ۱۷، زمستان ۱۳۶۸، صص ۱۹-۲۰.

۸۳. حسن و منوچهر آقایی، قراردادهای انتقال فناوری، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (سمینار آموزش پژوهش و انتقال فناوری)، جزوه آموزشی ش ۷، دیماه ۱۳۷۰، صص ۳-۵.

قراردادهای لیسانسینگ:^{۸۴} امروزه این نوع از قراردادها نسبت به دیگر قراردادهای انتقال فناوری از رواج بیشتری برخوردار هستند. مالکیت فناوری، اعم از اختراع یا دانش فنی، واجد حمایت قانونی و حقوقی بوده که به موجب آن مالک می‌تواند دیگران را از انواع بهره‌برداری و یا هرگونه استفاده از آن منع نماید. به همین سبب هرگونه استفاده غیر از آن، منوط به رضایت و اجازه مالک فناوری است.^{۸۵} قراردادهای لیسانسینگ حاوی و واجد چنین اجازه‌ای بوده و اقتضاء آن به اصطلاح اباحه استفاده دیگران از فناوری مایملک مالک است. قراردادهای لیسانسینگ عمدتاً به قراردادهای لیسانسینگ حق اختراع و قراردادهای لیسانسینگ دانش فنی، اختصاص می‌یابند. در قسم اول این قراردادها، مالک حق اختراع اجازه استفاده از ابداع موضوع حق اختراع را به دیگری اعطا می‌نماید. در این قرارداد حق منع استفاده غیرمجاز که صاحب حق اختراع از آن بهره می‌برد را می‌توان به لیسانسی (اجازه‌گیرنده) واگذار نمود. به خاطر نقش اندکی که کشورهای در حال توسعه برای حقوق ناشی از حق اختراع قائل هستند و نقش کمی که نظام حق اختراع در کشورهای در حال توسعه ایفاء می‌نماید و نیز نامشخص بودن قوانین ملی در حمایت از حق اختراعات و یا حل اختلافات در این خصوص، معمولاً تجار کشورهای در حال توسعه ارزش اقتصادی و تجاری مهمی برای حقوق ناشی از لیسانس حق اختراع قائل نیستند و لذا حقوق و مزایای ناشی از حق اختراع از اهمیت کمتری برخوردار است.^{۸۶} در نوع دوم این قراردادها، مالک یا لیسانسر دانش فنی به موجب قرارداد موظف است به منظور قادر ساختن لیسانسی (اجازه‌گیرنده) به اعمال، به کار انداختن و بهره‌برداری از فناوری مورد نظر در صنعت، اطلاعات فنی محرمانه، اساسی و مضبوط را با وی تقسیم کرده و به وی ارائه دهد.

از چهار عنصر تشکیل‌دهنده خصوصیت دانش فنی یعنی قابلیت اعمال، نو بودن، محرمانه بودن و ارزش داشتن، شرط محرمانه ماندن، اساس قرارداد لیسانس دانش فنی است.^{۸۷} رویکرد لیسانسر به قرارداد دانش فنی این است که قرارداد متضمن یکسری امتیازات مشروط و محدود شده به لیسانسی باشد نظیر الزام لیسانسی به استفاده از دانش فنی در محدوده

84. Licence Agreements

۸۵. مهدی هداوند، «قراردادهای لیسانسی و حمایت از حقوق مالکیت فکری»، مجله حقوقی داور، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۹۸-۹۷.

86. United Nations, Guidelines for Evaluation of transfer of technology agreement, New York 1989, p. 8.

87. Ibid, p. 12. & see too: ۱۰۶-۱۰۸ صص همان، مهدی هداوند، همان، صص ۱۰۶-۱۰۸

جغرافیایی و موضوعی (تولیدی) مشخص و معین شده، اما کشورهای در حال توسعه، نقطه نظرهایی بر خلاف این شروط لیسانس دارند: نظیر انتقال دائمی دانش فنی و آگاهی از تمام جنبه‌های محوری و تجاری فناوری و انجام عملیات پروژه حتی پس از انقضای قرارداد و ...، درج این شروط در قرارداد دانش فنی بر اساس توافقات طرفین و نیازهای آنان صورت می‌گیرد.^{۸۸}

قرارداد کمک فنی: در قرارداد کمک فنی، ارائه‌دهنده فناوری، خدماتی را ارائه می‌دهد که در ارتباط مستقیم و تخصصی مربوط به پروژه موضوع نیست بلکه خدماتی از قبیل کمک در انتخاب فناوری، همکاری در خرید قطعات نیمه ساخته و مواد و لوازم کمکی، کمک‌های فنی در تولید و غیره را فراهم می‌نماید. اصطلاحات «کمک فنی» و «خدمات فنی» که در اینجا به طور مضیق به کار می‌رود صرفاً شامل اجزاء، اطلاعات و خدمات فنی که در چارچوب دانش فنی و حقوق اختراع نمی‌گنجد، می‌شود.^{۸۹} به جز به هنگامی که عرضه‌کننده کمک‌ها، مواد و ماشین‌آلات عرضه می‌کند، کمک‌ها اساساً داده‌هایی اطلاعاتی و مدیریتی هستند. داده‌های اطلاعاتی شامل طرح‌های پروژه‌ای، فهرست‌ها و مشخصات ابزارآلات، مواد تولیدی و خدمات بازاریابی و فروش هستند. در حالی که داده‌های مدیریتی شامل ارائه خدمات تخصصی، آموزش پرسنل دریافت‌کننده و مدیریت تولید، لوازم مربوط به نصب پروژه و شبیه به آنها است.^{۹۰}

قرارداد خدمات مهندسی: موضوع قراردادهای خدمات مهندسی، آن دسته از کارهای فنی است که در ایجاد یک پروژه صنعتی و تولید مستقیماً به کار می‌آید. شرایط و محدودیت‌هایی که عرضه‌کننده خدمات مهندسی بر دریافت‌کننده تحمیل می‌نماید، از قراردادهای دانش فنی سهل‌تر و ساده‌تر است. این قراردادهای عمدتاً واجد خصیصه یک سند پیچیده و پر حجم هستند خصوصاً هنگامی که انتقال دانش فنی در قرارداد مورد استفاده قرار گیرد.^{۹۱}

88. Ibid, pp. 15-16 & Ray August, International business law, (New Jersey: Prentice Hall, 2007), p. 485.

89. United Nations, op. cit, p. 5.

۹۰. حسن و منوچهر آقایی، همان، ص ۷؛ همچنین نک: مصطفی‌السان، همان، صص ۲۰۹ - ۲۰۸.

91. Ibid, p. 27 & ۲۵-۲۶، صص منوچهر آقایی،

قراردادهای فرانسیز:^{۹۲} اگر مقصود اصلی دارنده فناوری از انتقال آن، بازاریابی برای تولیداتش باشد، تحقق آن مستلزم انعقاد موافقتنامه فرانسیز (فرانچایزینگ) خواهد بود. فرانسیز یک سیستم توزیع کالا و یا خدمات است که غالباً با واگذاری اجازه استفاده از شهرت تجاری معتبر و علائم خدماتی ضمیمه و همراه شده و به موجب آن امتیازدهنده،^{۹۳} امتیازگیرنده^{۹۴} را در فروش کالاها و یا ارائه خدمات حمایت، آموزش و تا حدی نظارت و کنترل می‌کند. در شکل قدیمی آن می‌توان از تجارت بنزین و در شکل جدیدتر آن می‌توان به فرانسیز هتل‌های زنجیره‌ای اشاره داشت. در شکل تغییر یافته نیز، فرانسیز یک شیوه غالب زنجیره‌ای بزرگ را با مزایا و ویژگی‌های برتر محلی یک شرکت کوچک مستقل ترکیب می‌نماید. قرارداد فرانسیز شبیه به قرارداد موسوم به استفاده از علامت تجاری است و تأکید بیشتر و اصلی آن بر استفاده کنترل‌شده از علامت تجاری و نیز بر اسباب قانونی حفاظت از مالکیت آن است.^{۹۵} نکته لازم در خصوص این‌گونه قراردادها این است که قراردادهای مزبور لزوماً به تنهایی به کار گرفته نمی‌شوند. در عمل بسیاری از قراردادهای منعقدۀ جهت انتقال فناوری، متضمن ترکیبی از چند گونه قراردادهای مزبور هستند. این چندگانگی از منظرهای مختلف نظیر انتقال بیش از یک گونه فناوری در برخی از قراردادها یا طرفیت و دخالت چندین طرف بر حسب نوع خدمات و تعهدات مربوطه نیز قابل تحقق و بررسی است.^{۹۶} این وضعیت در خصوص قراردادهای انتقال فناوری دریایی نیز حاکم است. فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای و موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴، اشاره‌ای به نوع خاصی از قراردادهای انتقال فناوری نمی‌نمایند، هر چند که فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای و موافقتنامه اجرایی به ترتیبات و قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های مشترک (بند آخر ماده ۲۶۹ کنوانسیون و بند الف ماده ۵ موافقتنامه اجرایی) و کمک‌های فنی (بند چهارم ماده ۲۷۴ کنوانسیون و بند ج ماده ۵ موافقتنامه اجرایی) اشاره می‌دارند، اما با توجه به پیچیدگی و وضعیت خاص و منحصر به فرد انتقال فناوری دریایی و استفاده و بهره‌برداری از چنین

92. Franchise Agreement

93. Franchisor

94. Franchisee

95. Ibid, p. 37 & ۲۶-۲۷ صص منوچهر آقایی،

۹۶. جهت مطالعه بیشتر نک:

الف: فرهاد امام، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، (تهران: نشر یلدا، ۱۳۷۳).

ب: شورای هماهنگی و نظارت بر همکاری‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی، مجموعه ضوابط راجع به انعقاد

قراردادهای انتقال فناوری، (تهران: سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، ۱۳۶۶).

فناوری‌های پیشرفته‌ای، قراردادهای انتقال فناوری دریایی متضمن ترکیبی از قراردادهای انتقال فناوری، چه به لحاظ نوع قرارداد و فناوری مورد انتقال و چه به لحاظ نوع خدمات و تعهدات مربوطه هستند، ضمن آنکه نقش میانجی سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار نظیر مقام بین‌المللی بستر دریا، فائو و سازمان بین‌المللی دریانوردی در انتقال فناوری دریایی، تأثیر بسزایی در این مورد، همسان و حتی بیشتر از همکاری‌های دو یا چندجانبه کشورها به طور مستقیم دارد تا حدی که شکل و فرآیند خاصی از انتقال فناوری دریایی و ترتیبات و قراردادهای انتقال فناوری را ایجاد می‌نماید.

۲-۴- موانع انتقال فناوری دریایی به کشورهای در حال توسعه

در بحث‌ها و مسائل توسعه، مانع در چهار مفهوم به کار می‌رود: واقعیت‌ها، تکامل، فاصله و تضاد منافع. منظور از واقعیت‌ها این است که بیرون از محیط داخلی، تحولاتی وجود دارد که بی‌توجهی نسبت به آنها و دخالت ندادنشان در امور داخلی ممکن است مانع پیشبرد برنامه‌های مختلف باشد، بدین لحاظ اگر واقعیت‌هایی که به طرف توسعه و (تکامل) می‌روند، نادیده گرفته شوند، آنگاه مانعی برای افزایش فراگیری از محیط خارجی برای پیشبرد امور داخلی محسوب خواهد شد. فاصله در مفهوم مانع به این معنی است که شناخت هر نوع فاصله میان اندیشه‌ها و سیستم‌های داخلی حول و حوش توسعه با محیط بیرونی، ممکن است مانعی بالقوه یا بالفعل باشد؛ پس از این شناخت است که می‌توان تصمیم گرفت که آیا آن فاصله بالقوه یا بالفعل، مانعی برای توسعه داخلی محسوب می‌شود یا خیر؟ آخرین تعریف و مفهوم مانع «تضاد منافع» است به بیان دیگر، چه عوامل و سیاست‌های خارجی‌ای به صورت آگاهانه برای داخل، مانع ایجاد می‌کند؟ سه تعریف قبلی از مانع (واقعیت، تکامل و فاصله) تحولاتی هستند که در محیط خارجی در حال وقوع است و با ثبت، مشاهده و مطالعه آنها می‌توان تصمیم مناسب در قبال آنها اتخاذ کرد اما تعریف چهارم از مانع (تضاد منافع) نوعی تقابل و برخورد آگاهانه بین محیط داخلی و محیط خارجی است. کشورها برای دستیابی به توسعه و پیشرفت باید موانع و سدهای پیش روی توسعه را رفع نمایند و تا زمانی که موانع باقی باشند؛ یا اصولاً توسعه امکان‌پذیر نیست یا سرعت و شتاب توسعه را به شدت کاهش

می‌دهند.^{۹۷} اجمالاً آنچه که تحت عناوین موانع توسعه و انتقال فناوری وجود دارند به قرار ذیل است:

موانع سیاسی: در این خصوص موانعی که مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: الف) یغماگری: در یک دولت یغماگر، تصمیمات و مقررات سیاسی نامترقبه است و در چنین سیستم حکومتی سرمایه‌گذاری درازمدت، کار احمقانه‌ای است. قدرت دولت در این نظام‌ها صرف و لخرجی‌های هوسبازانه و مصرف‌گرایی اسرافکارانه می‌شود و بدین ترتیب ظرفیت تولید بخش خصوصی کاهش می‌یابد و رفاه اجتماعی سیر نزولی طی می‌کند.^{۹۸} ب) دخالت دولت‌ها: دخالت و اعمال کنترل و نظارت برخی دول در حال توسعه به عنوان یک متولی و متصدی انحصاری همانند نقش حاکمیتش و محدودسازی و جلوگیری از ابتکارات بخش خصوصی و رقابت سازنده آنها یکی از مهم‌ترین موانع توسعه و انتقال فناوری به شمار می‌آید.^{۹۹}

ج) عدم کارایی دولت و زیرمجموعه‌های آن و دیوانسالاری گسترده حاکم بر آن.^{۱۰۰} د) رانتیر بودن دولت و نقش محدودکننده آن: رانت‌جویی، فساد اداری و اقتصادی، باج‌گیری و ارتقاء و غارتگری به منظور به دست آوردن حداکثر درآمد و نه تولید و فعالیت‌های تولیدی، همواره وجه شناخته شده‌ای از عملکرد دولت‌های جهان سوم بوده است.^{۱۰۱} ه) ساختار نامناسب سیاسی و اجتماعی دولت‌ها: شرایط نامناسب سیاسی و اجتماعی دول در حال توسعه نظیر موروثی بودن حکومت و یا فقدان فضای باز سیاسی و اقتصادی و عدم انسجام درونی هیأت حاکمه از جمله عوامل بازدارنده انتقال موفقیت‌آمیز فناوری و پیشرفت فناوری‌ها در کشورهای در حال توسعه است.^{۱۰۲}

۹۷. محمود سریع القلم، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران (تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۰)، ص ۲۰۰.

۹۸. پیتر اوانز، توسعه یا چپاول، ترجمه عباس زند باف و عباس مخبر، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰)، ص ۴۵.

۹۹. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات: پایان هزاره، ترجمه احدعلیقلیان و افشین خاکباز، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰)، جلد سوم، ص ۱۲۰.

۱۰۰. پیتر اوانز، همان، ص ۳۳.

۱۰۱. امیر محمد حاجی یوسفی، «رانت، دولت رانتیر و رانت‌ریسم: یک بررسی مفهومی»، مجله اطلاعات سیاسی و

اقتصادی، ش ۱۲۶-۱۲۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۶، صص ۱۵۵-۱۵۲.

۱۰۲. محمود سریع القلم، همان، ص ۲۰۴.

و) عدم حکومت قانون: قاعده‌مند کردن تفکرات و روش‌های مملکت‌داری منجر به ایجاد یک سیستم خواهد شد و نقش خود و استنباط‌های فردی را به شدت کاهش می‌دهد و این معضلی است که مردم کشورهای جهان سوم از آن رنج می‌برند.^{۱۰۳}

ز) خودکفایی و استقلال: ذهنیت بد و منفی نسبت به گذشته از سوی دولتمردان جهان سوم (استعمار، استثمار و غارت منابع و ...) هر عملی را که احتمال وابستگی و تحت سلطه قرار گرفتن کشورشان را داشته باشد، رد می‌کند و با آن مخالفت می‌کنند و به غلط با عنوان ملی‌گرایی رجوع به خارجی را شر اکبر می‌دانند.^{۱۰۴}

بحران مشروعیت داخلی در برخی کشورهای در حال توسعه، فقدان ساختار عمرانی - اجتماعی منسجم و منضبط وجود ایدئولوژی‌های ضد توسعه و ...، از دیگر موانع سیاسی توسعه و انتقال فناوری به شمار می‌آیند.^{۱۰۵}

موانع اقتصادی: که اهم آنها به قرار ذیل است:

الف) عدم توجه به مزیت‌های نسبی: اغلب کشورهای در حال توسعه، فاقد پارامترهای لازم در مزیت نسبی (داشتن سرمایه کافی، فناوری‌های پیشرفته و ...) هستند و با اتخاذ استراتژی‌ها و راهکارهای غلط، توانایی خویش را در رقابت سیستم اقتصادی بین‌المللی و تجارت بین‌المللی از دست می‌دهند.^{۱۰۶}

ب) فقدان وحدت‌گرایی سازمانی: وحدت‌گرایی سازمانی نقش مثبتی در انتقال فناوری و توسعه فناورانه کشورهای در حال توسعه ایفاء می‌کند اما این کشورها هنوز نتوانسته‌اند به یک وحدت سازمانی که مشوق و محرک توسعه و تولید باشند، دست یابند.^{۱۰۷}

۱۰۳. پیشین، ص ۲۹.

۱۰۴. بیگانه خواندن هر فناوری بهترین بهانه برای مقاومت در برابر نوآوری است. نک: حسین مهدوی، «تعاملاتی درباره بحث انحرافی انتقال فناوری»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۵۸-۱۵۷، مهر و آبان ۱۳۷۹، صص ۸۵-۱۸۳.

۱۰۵. محمود سریع القلم، همان، صص ۴۰-۲۳۰.

۱۰۶. فرهاد جوان، «سیاست توسعه صادرات و ارتباط آن با پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۸۰-۱۷۹، مرداد و شهریور ۱۳۸۱، ص ۲۵۰.

۱۰۷. مایکل دولان، «تحول اقتصاد جهان و کشورهای کمتر توسعه یافته»، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۲۸-۱۲۷، صص ۱۸۸-۱۸۶.

ج) عدم توجه به فناوری مناسب: در این خصوص عدم توجه به فناوری‌های ملی که تبعاتی چون تحمیل هزینه‌های اضافی ایجاد بیکاری، بحران ورشکستگی، و تولید نامتجانس به دلیل عدم مهارت نیروی انسانی قابل اهمیت هستند.^{۱۰۸}

د) عدم سرمایه‌گذاری خارجی: در این خصوص مسائل متعددی چون امنیت برای سرمایه‌گذاری، سیاست‌های روشن اقتصادی، پولی و بازرگانی، ثبات قوانین و مقررات، تسهیلات اداری، گمرکی، و مالیاتی مطرح است که اکثر کشورهای در حال توسعه همچنان با آن درگیرند.^{۱۰۹}

در نهایت عواملی چون ضعف رقابت‌پذیری، اعمال سیاست‌های حمایتی ضعیف و نادرست اتخاذ راهبردهای توسعه صنعتی نامناسب، و غیرعادلانه بودن تقسیم کار بین‌المللی (کشورهای در حال توسعه به عنوان صادرکننده مواد اولیه و کشورهای توسعه‌یافته به عنوان تولیدکننده صنعت و فناوری) از اهم موانع اقتصادی انتقال فناوری هستند.^{۱۱۰}

موانع اجتماعی: اهم این موانع به قرار ذیل هستند:

الف) عدم گرایش افراد به علوم پایه و رشته‌های فنی: در اکثر کشورهای در حال توسعه بازار جذب متخصصان و کارشناسان فنی وجود ندارد و از سویی در برخی از این کشورها اهمیت بیشتر و ویژه‌ای برای علوم انسانی قائل هستند.

ب) تأثیر فناوری و نوآوری‌های فنی در دگرگونی جوامع و مقاومتی که برخی از کشورهای در حال توسعه در قبال این دگرگونی‌ها از خود نشان می‌دهند.^{۱۱۱}

ج) افزایش جمعیت و مهاجرت و عدم توانایی کشورهای در حال توسعه به حداقل نیازها و خواسته‌های مللشان.^{۱۱۲}

۱۰۸. بی نام، چالش‌های انتقال فناوری و خودتکایی، نشریه توسعه، ش ۸۳، ص ۳۸.

۱۰۹. آرگیری امانوئل، فناوری مناسب یا عقب مانده، ترجمه ناصر موفقیان، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، صص ۹۲-۱۱۵.

۱۱۰. نک: توماس لارسون و دیوید اسکیدمور، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۹) و پل بادان، اقتصاد سیاسی رشد: ریشه‌های عقب ماندگی، ترجمه مهدی قراچه داغی، (بی جا، پانیال، ۱۳۸۵).

۱۱۱. نک: اچ رابرت لاور، دیدگاه‌هایی درباره تغییرات اجتماعی، ترجمه کاووس سید امامی، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳) و آلوین تافلر، موج سوم، ترجمه شهید دخت خوارزمی، (تهران: نشر نو، ۱۳۶۸).

د) عدم انسجام درونی دول در حال توسعه در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تکیه بیشتر آنها بر عناصر و عوامل خارجی.^{۱۱۳}

در نهایت فقدان مدیر و نخبگان کارآمد، صنعت آموزش و تربیت نامناسب و فقدان ثبات اجتماعی از موانع اجتماعی انتقال فناوری به حساب می‌آیند.^{۱۱۴}

موانع فرهنگی: اهم این موانع به قرار ذیل هستند:

الف) تقابل ارزش‌های سنتی با پیشرفت‌های فناورانه؛

ب) عدم توجه به تحقیق و پژوهش؛

ج) فقدان رابطه بین علم و فناوری؛

د) فقدان فرهنگ توسعه و ...^{۱۱۵}

در نهایت می‌توان به موانع دیگر در انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه نظیر موانع زیست محیطی انتقال فناوری،^{۱۱۶} و عدم توجه به توسعه پایدار^{۱۱۷} اشاره نمود که همچون سدی در فرآیند انتقال فناوری بوده یا سرعت این فرآیند را بسیار کند و بطی می‌نمایند. در باب موانع تئوری و عملی انتقال فناوری دریایی نیز، وضعیت همانند موانع انتقال فناوری در کل است، آن‌گونه که این موانع نه تنها باعث جلوگیری از توسعه و انتقال فناوری دریایی می‌شوند، بلکه خود به عنوان موانعی اساسی در دستیابی به توسعه‌ای پایدار در همه ابعاد و زمینه‌ها در کشورهای در حال توسعه عمل می‌نمایند، اما علاوه بر موانع پیشروی انتقال فناوری، شرایط، عرف، اصول و قواعد تجاری حاکم بر بازار آزاد به ویژه در چارچوب سازمان‌های تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای که عمدتاً در جهت نفع و دول توسعه‌یافته است،

۱۱۲. نک: حسین عسکری و سایرین، فرار مغزها: انتقال فناوری معکوس، ترجمه مجید محمدی، (تهران: نشر قطره، ۱۳۷۶) و رضا علی محسنی، پدیده مهاجرت و فرار مغزها: علل و جنبه‌های آسیب‌شناختی آن، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۷۶-۱۷۵ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱، ص ۱۲۱.

۱۱۳. محمود سریع القلم، همان، صص ۳۶-۳۳.

۱۱۴. نک: محمود سریع القلم، توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل، (تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۵).

۱۱۵. نک: سرژ لاتوس، غربی سازی جهان، ترجمه امیررضایی، (تهران: قصیده ۱۳۷۹) و محمد جعفر پوینده، «فرهنگ و توسعه»، مجله فرهنگ توسعه، ش ۳۰-۲۹، مهر و آبان ۱۳۷۶ صص ۸۰-۷۸.

۱۱۶. نک: سمیوئل فلورمن و رنه دوبو و سایرین، فناوری و بحران محیط زیست، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، (تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۶۴).

۱۱۷. حسین نصیری، «توسعه پایدار، چشم انداز جهان سوم»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۸-۱۲۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷، صص ۱۹۹-۱۹۰.

پایبندی شدید دول توسعه‌یافته به حقوق مالکیت فکری به ویژه موافقتنامه‌های تریپس ۱۹۹۴ و حتی حقوق محلی یا منطقه‌ای حاکم بر انتقال فناوری،^{۱۱۸} خلأهای حقوقی و تعهدات الزام‌آور در این موضوع (حتی در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و موافقتنامه‌های اجرایی ۱۹۹۴) و ضعف‌های اساسی دول در حال توسعه حتی دول ساحلی در زمینه توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی، ساختاری، مدیریتی و ...، از مهم‌ترین موانع انتقال فناوری دریایی به کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آیند، و از این‌رو چشم‌انداز روشنی هم برای رفع این موانع داخلی و بین‌المللی حداقل در آینده‌ای نزدیک، نمی‌توان انتظار داشت.

نتیجه

همان‌گونه که در متن ذکر شد، موضوع توسعه و انتقال فناوری دریایی آن‌گونه که مورد مطالبه کشورهای در حال توسعه جهان سوم بود، تحقق نیافت و نه تنها فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از قوام و تعهد رسمی الزام‌آوری برای کشورهای پیشرفته صنعتی برخوردار نشد بلکه با ایجاد شرایط متفاوت از آنچه که در این فصل کنوانسیون هم آمده بود، یعنی توسعه و انتقال فناوری دریایی بر اساس شرایط منصفانه و عادلانه به توسعه و انتقال فناوری دریایی بر اساس شرایط تجاری حاکم بر بازار آزاد و انتقال فناوری در کل در موافقتنامه اجرایی ۱۹۹۴، این موضوع تغییر یافت، خصوصاً آنکه دول پیشرفته صنعتی با انعقاد موافقتنامه‌های تریپس در سال ۱۹۹۴، مطالبات و حقوق بیشتری را در این خصوص از کشورهای در حال توسعه جهان سوم مطالبه نمودند. از سویی دیگر، به دلیل عدم برخورداری اکثر دول در حال توسعه از توانایی‌ها و ظرفیت‌های بهره‌مندی و استفاده از فناوری دریایی و موانعی که در داخل و خارج از این‌گونه کشورها وجود دارد و همچنین مدت زمان کوتاه از زمان تصویب و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲، در عالم واقع و عمل هم، هنوز رویه‌ای یکسان و یکنواخت حاکی از این موضوع وجود ندارد و بدین خاطر همان قواعد و مقررات و

۱۱۸. برخی از دول توسعه یافته از انتقال فناوری‌هایی که بهره برداری‌های دوگانه‌ای در زمینه‌های نظامی و غیر نظامی از آنها وجود دارد، جلوگیری می‌نمایند و از سویی دیگر، قواعد و عرف منطقه ایی خاصی به ویژه در سطح جامعه اروپا و گروه آندین کشورهای امریکای لاتین برای انتقال فناوری وجود دارد که در جهت سیاست خارجی و منافع امنیتی و استراتژیکی این دول بوده و خود همچون موانعی برای دستیابی به فناوری‌های پیشرفته از سوی کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آیند. نک:

Encyclopedia of public international law, Vol IV, (North-Holland, 2000), pp. 776-787 & see: Technology collection trends in the US defence industry, " published by the defense security service available at: www.fas.org/irp/threat/2006_trends.Pdf.

عرف و رویه موجود در مورد سایر انتقال فناوری در این خصوص ملاک عمل و رفتار است. چشم‌انداز آتی این موضوع برای کشورهای در حال توسعه نیز چندان روشن و آشکار نیست و نمی‌توان امیدوار به کمک‌ها و تعهدات غیر الزام‌آور دول توسعه‌یافته صنعتی در خصوص این موضوع داشت و این کشورهای در حال توسعه جهان سوم هستند که باید ضمن رفع موانع بهره‌مندی از فناوری و بالا بردن توانایی و ظرفیت‌های خویش، با همکاری‌های بیشتر و تنگاتنگ بین خویش، فناوری لازم در این خصوص را در جهت بهره‌مندی‌شان از منابع سرشار و غنی موجود در اعماق دریاها در محدودیت صلاحیت ملی خویش و خارج از آن در منطقه میراث مشترک بشریت به دست آورند که در حال حاضر راهی جز این نیست و دلیل آن هم شکاف و فاصله بین دول در حال توسعه و توسعه‌یافته است که نه تنها در حال کمتر شدن نیست بلکه به نظر می‌رسد در حال افزایش نیز است و حقوقی که دول در حال توسعه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم از دول توسعه‌یافته صنعتی و عمدتاً در پرتو اکثریت خویش در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های جهانی مطالبه می‌کردند از دهه ۹۰ و پایان جنگ سرد و تحولات گوناگون در صحنه روابط بین‌المللی، این حقوق و مطالبات و منافع دول پیشرفته و صنعتی است که بر کشورهای جهان سوم تحمیل و توان آنها را در رقابت و برخورداری از حقوق و منافی برابر به چالش کشانده است و نتیجتاً برنده این میدان کماکان «دول پیشرفته و صنعتی» هستند.

فهرست منابع

- آقای، بهمن. مجموعه مقالات حقوق بین الملل دریاها و مسائل ایران. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴.
- آقای، حسن، و منوچهر آقای، قراردادهای انتقال فناوری. تهران: سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، (سمینار آموزش پژوهش و انتقال فناوری)، جزوه آموزشی ش ۷، دیماه ۱۳۷۰.
- آقای، منوچهر. «قراردادهای انتقال فناوری.» مجله پژوهش در علم و صنعت ۸:۱۷ (۱۳۶۸).
- آگوسین و دیگران. کشورهای در حال توسعه و سازمان جهانی تجارت و گات: فرصت‌ها و چالش‌ها. ترجمه احمد یزدان‌پناه و سیف‌الله صادقی یارندی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۴.
- احمدی جشفقانی، حسینعلی. اجرای تعهد قراردادی. تهران: برهمند، ۱۳۷۸.
- اشمیتوف، کلاویو ام. حقوق تجارت بین الملل. ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۸.
- السان، مصطفی. «ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی.» مجله پژوهشهای حقوقی ۹، (۱۳۸۵).
- امام، فرهاد. حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران. تهران: نشر بیدا، ۱۳۷۳.
- امانوتل، آرگیری. فناوری مناسب یا عقب مانده. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- اوانز، پیتر. توسعه یا چپاول. ترجمه عباس زندیاف و عباس مخبر. تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- اینیاسی، زاکی. «جوامع محروم.» مجله پیام یونسکو ۲۶:۳۹۸ (۱۳۷۴).
- بادان، پل. اقتصاد سیاسی رشد: ریشه‌های عقب‌ماندگی. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. بی‌جا: پانیال، ۱۳۸۵.
- بهرام‌زاده، حسینعلی. «توسعه پایدار.» مجله تدبیر ۱۴:۱۳۴ (۱۳۸۲).
- بی‌نام، «چالش‌های انتقال فناوری و خودتکایی.» نشریه توسعه ۸۳.
- پورنوری، منصور، و محمد حبیبی. حقوق بین الملل دریاها: کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲. تهران: مهر حقوق، ۱۳۸۳.
- پوینده، محمدجعفر. «فرهنگ و توسعه.» مجله فرهنگ توسعه ۳۰-۲۹ (۱۳۷۶).
- تافلر، آوین. موج سوم. ترجمه شهیددخت خوارزمی. تهران: نشر نو، ۱۳۶۸.
- تی‌یا، وانگ. «جهان سوم و حقوق بین الملل.» ترجمه محسن محبی. مجله حقوقی ۸ (۱۳۶۶).
- جوان، فرهاد. «سیاست توسعه صادرات و ارتباط آن با پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی.» مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۷۹-۱۸۰ (۱۳۸۱).
- چرچیل، رابین، و آلن لو. حقوق بین الملل دریاها. ترجمه بهمن آقای. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۷۷.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. «رانت، دولت رانتیر و رانتیرسم: یک بررسی مفهومی.» مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۲۶-۱۲۵ (۱۳۷۶).
- دولان، مایکل. «تحول اقتصاد جهان و کشورهای کمتر توسعه یافته.» ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۲۸-۱۲۷.

- دومارفی - اتنانو، آنیک. «چارچوب اجرایی موافقتنامه مربوط به اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل درباره حقوق دریاها». ترجمه سیدفضل‌الله موسوی. مجله حقوقی ۲۵ (۱۳۷۹).
- دویچ، کارل و دیگران. نظریه‌های روابط بین‌الملل. ترجمه وحید بزرگی. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- سریع‌القلم، محمود. توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل. تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۵.
- سریع‌القلم، محمود. عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۰.
- سعیدا اردکانی، سعید. «مدیریت انتقال فناوری». مجله پیام ارتباطات ۱۱ (۱۳۷۹).
- سماواتی، حشمت‌الله. «مفاهیم حقوقی توسعه، نقش و تأثیرات آن در کمک‌های خارجی». مجله دیدگاه‌های حقوقی ۱:۲ (۱۳۷۴).
- سنجر، ابراهیم. «نقش سازمان ملل متحد در توسعه تجارت و قانونمند ساختن آن». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۷:۱۸۳-۱۸۴ (۱۳۸۱).
- سینایی، وحید. «توسعه پایدار و گردشگری». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۹۵-۹۶ (۱۳۷۴).
- شاه، ملکم. حقوق بین‌الملل. ترجمه محمد حسین وقار. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- شریف، محمد. «میراث مشترک بشریت و وصف آن به عنوان قاعده امره». مجله پژوهش حقوق و سیاست ۱ (۱۳۷۸).
- شورای هماهنگی و نظارت بر همکاری‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی. مجموعه ضوابط راجع به انعقاد قراردادهای انتقال فناوری. تهران: سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، ۱۳۶۶.
- صابری انصاری، بهزاد. سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
- عباسپور، مجید. فناوری و جهان امروز. تهران: صدرا، ۱۳۶۶.
- عسکری، حسین، و دیگران. فرار مغزها: انتقال فناوری معکوس. ترجمه مجید محمدی. تهران: نشر قطره، ۱۳۷۶.
- علیخان، شاهد، و دیگران. مزایای اقتصادی - اجتماعی حمایت از حقوق مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه. تهران: فصل سبز گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
- فلورمن، سمیوئل، رنه دوبو، و دیگران. فناوری و بحران محیط زیست. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- کاپلیسکی، رافائل، و چارلز کوپر. فناوری و توسعه در سومین انقلاب صنعتی. ترجمه جمشید زنگنه. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۴.
- کاستلز، مانوئل. عصر اطلاعات: پایان هزاره، جلد سوم. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- کاستلز، مانوئل. عصراطاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، سه جلدی، جلد اول. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- کاظمی، سیدعلی‌اصغر. «مسأله مشمول کنوانسیون جدید حقوق دریاها به کشورهای ثالث غیر

- عضو. «مجله حقوقی ۸ (۱۳۶۶).
- کاظمی، سیدعلی اصغر، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
- گل‌زرودی، بهزاد. «کنوانسیون‌های لومه و روابط شمال- جنوب». روزنامه اطلاعات ۳-۲۲۳۹۱ (۲۳-۲۰ دی ۱۳۸۰).
- گودرزی، هوشنگ. سازمان جهانی تجارت: سابقه، نظریه‌ها و اصول و مقررات حاکم. تهران: ترقی، ۱۳۸۰.
- لاتوس، سرژ. غربی‌سازی جهان. ترجمه امیر رضایی. تهران: قصیده، ۱۳۷۹.
- لارسون، توماس، و دیوید اسکیدمور. اقتصاد سیاسی بین‌الملل. ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی. تهران: نشر قومس، ۱۳۷۹.
- لاور، اچ رابرت. دیدگاه‌هایی درباره تغییرات اجتماعی. ترجمه کاووس سیدامامی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- لوئیس، بئک. «دگرگونی در مفاهیم و هدف‌های توسعه». ترجمه حمید قاضیان. نامه فرهنگ ۲:۱-۲ (۱۳۷۰).
- محتشم دولت‌شاهی، طهماسب. سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی. تهران: ویستار، ۱۳۷۵.
- محسنی، رضاعلی. «پدیده مهاجرت و فرار مغزها: علل و جنبه‌های آسیب‌شناختی آن». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۷۶-۱۷۵ (۱۳۸۱).
- محمدخان، مرتضی و دیگران. فرآیند انتقال فناوری در بخش صنایع سبک ایران. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۳.
- ممتاز، جمشید. «نظام حقوقی سرمایه‌گذاران پیشگام در منطقه بین‌المللی بستر دریاها». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۲۶ (۱۳۷۰).
- موسی‌زاده، رضا. بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: میزان، ۱۳۸۰.
- موسی‌زاده، رضا. سازمان‌های بین‌المللی. تهران: میزان، ۱۳۷۶.
- موسی‌زاده، رضا. کلیات حقوق بین‌الملل عمومی، دو جلدی، جلد دوم. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
- مهدوی، حسین. «تعاملاتی درباره بحث انحرافی انتقال فناوری». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۵۷-۱۵۸ (۱۳۷۹).
- مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی. ترجمه و تحقیق بهروز اخلاقی و فرهاد امام. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۹.
- میرعباسی، باقر. جزوه پلی‌کیپی حقوق بین‌الملل دریاها. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹.
- نصیری، حسین. «توسعه پایدار: چشم‌انداز جهان سوم». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۲۸-۱۲۷ (۱۳۷۷).
- نیکبخت، حمیدرضا. «چگونگی تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی». مجله تحقیقات حقوقی ۲۱-۲۲ (زمستان ۱۳۷۶ - تابستان ۱۳۷۷).

نیکبخت، حمیدرضا، «تعارض قوانین در قراردادهای و قانون حاکم بر تعهدات قراردادی و اصل حاکمیت اراده.» مجله حقوقی ۳۲ (۱۳۸۴).

هداوند، مهدی. «قراردادهای لیسانس و حمایت از حقوق مالکیت فکری.» مجله حقوقی داور ۱ (۱۳۸۴).

یوسف‌پور، قربان. «انتقال فناوری.» مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۶۶-۱۶۵ (۱۳۸۰).
یونیدو. صنعت در جهان متغیر: مطالعه توسعه صنعتی جهان. ترجمه غلامرضا نصیرزاده، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۵.

August, Ray. *International Business Law*. New Jersey: Prentice Hall, 2007.

Center for Oceans Law and Policy. *United Nations Convention on the Law of the Sea 1982: A Commentary*. University of Virginia: Martinus Nijhoff Publishers, 1995.

Encyclopedia of Public International Law, Vol I. North - Holland, 2002, & Vol III. North-Holland, 1997.

Encyclopedia of Public International Law, Vol IV. North-Holland, 1997.

Gabor, Kardos. "Right to Peace, Right to Development, Right to Healthy Environment." in: *Human Rights and Third World Development*. Ed. by W. Shepherd & P. Nanda. London: Greenwood Press, 1995.

[http://ioc3.unesco.org/abelos/index.php?option=com-content&task=view](http://ioc3.unesco.org/abelos/index.php?option=com-content&task=view&Itemid=42)
278&Itemid=42.

Plews, Betty. "Sustainable Human Development as a Global Framework." *International Journal of Canadian Institute of International Affairs* VI: 2 (1999).

"Technology Collection Trends in the US Defence Industry." Published by the Defense Security Service, available at: www.fas.org/irp/threat/2006trends.pdf.

UN Doc. "The Declaration on the Right to Development", GA/Res 41/128, 4 Dec 1986.

UN Doc. GA /Res 3201, 1 May 1974.

UN Doc. GA /Res 3281, 12 Dec 1974.

UN Doc. GA/Res 2749, 17 Dec 1970.

UN Doc. GA/Res 3201, 1 May 1974.

UN Doc. Millennium Declaration, DPI/2163 (Sep 2000).

UN Doc. GA/Res 3067, 16 Nov 1973.

United Nations, *Guidelines for Evaluation of Transfer of Technology Agreement*. New York, 1989.

Van Houtte, Hans. *The Law of International Trade*. London: Sweet & Maxwell, 2001.

World Committee in Environment and Development, Our Common Future. London: Oxford University Press, 1997.

Yearbook of the United Nations: Population and Development, 1998.

Development and Transfer of Marine Technology in Viewpoint of International Law of Technology Development and Transfer in Theory and Practice

Akbar Adibi

Ph.D. candidate in International Law from Islamic Azad University,
Tehran science and research campus and faculty member of Payame Noor University of Tehran,
Baharestan campus, Email: a.adibi@yahoo.com

Emergence and manifestation of the concept of common human heritage in international society and international law in recent decades and interesting from it, along with the required technology and its development and transfer for this purpose, has a deep and inseparable connection; rules, regulations and procedures governing on marine technology development and transfer is effected from international law governing on technology development and transfer in general. On the other hand, as there are various national and international obstacles and innovation in advanced and complicated of marine technology and its development and transfer in procedure and international law, and lack of binding basis and rules and frameworks in theory and practice in this regard, growth and development and realize of this issue requires wide and global cooperation especially from the developed countries and the holder of requisite technology and creation and formation of binding engagements of legal and customary in this way.

Keywords: common human heritage, development and transfer of technology.

Journal of **LEGAL RESEARCH**

VOL. XV, No. 1

2016-1

- **Transmission of AIDS Virus and Commit of Generic Deadly Action**
Alireza Emamdadi & Ebrahim Taghizade & Mohammad-Ali Taheri
- **Principle of Legitimacy, Sovereignty and Transformation of Traditional Structure of International Law**
Hossein Sartipi
- **Development and Transfer of Marine Technology in Viewpoint of International Law of Technology Development and Transfer in Theory and Practice**
Akbar Adibi
- **Developing Countries and WTO Disputes Settlement Mechanisms**
Sepideh Zebardast
- **Comparative Study of Broad and Narrow Interpretation of Contra Proferentem Rule in Insurance Contracts**
Alireza Yazdanian & Hamid Araei
- **An Inquiry on the Possibility of Crime against Joint Tenancy by Partner**
Mohammad Bagheri Komar Olia & Naser Nosrati Sadaghiani
- **World Bank Effort to Maintain International Peace and Security**
Malihe Behfar
- **No Fly Zone in International Law with Respect to Security Council Practice**
Aghil Mohammadi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study